

قانون اساسی نیست قانون اساسی این مسئله را بخوبی
میرساند در جاتی که گفته شود که انتخابی است این مسئله
ببیند که چه خسارت هائی در صورت این دو سال پیدا
میشود و این بنا بر اساس مخالف است که اگر وضع شود
مخالف با قانون اساسی خواهد بود.

محمد شاهشاه میرزا - عرض میکنم هیچ
فوق مابین حساب قدیم وجدید نیست همان نکاتی که
ما را واداشته است با انتخاب اعضاء همان باید تصویب
شود.

فهیوم الملک - برای رفع آن اشکال آقایان
این عبارتی که بنده عرض کردم التماس فرمایند بخوانم
قائت کرد تا جمله آخری که ضمیمه شده بود که انتخاب
اعضاء مطابق ماده ۱۲ خواهد بود و بعد از دو سال از
تاریخ ایداعات آن مجدداً تصویب مجلس است.

مشیر حضور - يك باعاً کمی نوشته شود
بنده عرض میکنم شاید محکم باعاً کمی بشوهند تشکیل
بدهند.

فهیوم الملک - خبر مقصود يك عكسه
بیشتر نیست.

حاج سید ابراهیم - آن اصلاح را مجدداً
بخوانید (فهیوم الملک) ترائت نمود مجدداً (۰)

آریاب کیخسرو - آنطور که آقای مخبر
اصلاح فرمودند خیلی صحیح است مطابق ماده ۱۲
مؤید میشود آن اولی هم با اجازه مجلس بوده است
رئیس - خوب حالا رأی میگیریم کسانی که
با این ماده بترتیبی که اصلاح شد موافقت قیام نمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - حالا ده
دقیقه تنفس است مجدداً بعد از تنفس مقرر جلسه
تشکیل شده.

رئیس - بقیه شور دیوان محاسبات است
ماده ۱۴۰ راپورت کمیسیون به ابرار ذیل
قرائت شد.

ماده (۱۴۰) - مقرری اعضاء دیوان محاسبات و
مدعی العموم و دفتر دار کل بقرار ذیل است:
رئیس کل یکماهه ۲۰۰۰ قران
رؤسای محاکم نقری یکماهه ۱۵۰۰ قران
مستشاران نقری یکماهه ۱۲۰۰ قران
میزین نقری « ۸۰۰ »
دفتر دار کل نقری « ۱۰۰۰ »
مدعی العموم یکماهه مطابق رؤسای محاکم
رئیس - اینجا اگر چه اینها در یک ماده
نوشته است لکن در اینخصوص علیحده علیحده باید
مذاکره بشود.

میرزا ابراهیم قمی - بنده این اندازه
حقوق را برای اعضاء دیوان محاسبات زیاد میدانم و
يك پیشنهادی هم کرده ام.

حاج سید ابراهیم - مایک ترتیب قدیمی
داریم در مستخدمین دولت و يك ترتیب تازه داریم و
از وقتیکه بنده آمده ام می بینم ترتیب سابق با حالا
خیلی فرق دارد بنده می بینم که مستوفیان سابق سالی
دو دست تومان یا سیصد تومان مستخدم بوده اند و حالا
مستخدمین که بنده را آنها هستند مواجشان دوهزار
تومان رسیده است و همان کاری را میکنند که همان
سابقین میکردند و در بودجه ها که نظر میکنیم می بینم
که همه پایه اش از صد و دو دست برداشته شده است و اقل

و قابل است که حقوقشان در این مورد مطابق باشد با حقوق
سابقشان یعنی از دوره سابقه و بنده نمیدانم که این بنا
از روی کدام باخذ گذاشته شده که تمام بودجه ها بنظر
نوشته شده و آنروزی که اینطور شده بنده آن را
یوم نفس برای اینمملکت میدانم و هر چه میخواهم
جلو گیری کنم از خرجهای زیادی که پیش میآید که
مجبور میشویم بعضی تنبیهیم حالا اینها را طوری
میتویستند که بنظر نیاید مثلاً ماهی دو دست تومان را
اگر بنویسند سالی دوهزار و چهارصد تومان آنوقت
معلوم میشود که چقدر فرق دارد با آن مستوفی که
سالی چهارصد تومان منتهی حقوق داشته است علاوه
در خصوص دیوان محاسبات آنچه که الان با آن حقوق
میدهند که يك دیوان محاسبات غیر قانونی است وقتی که
انتخاب قانونی آنها شد آنوقت هم یا همینها هستند
یا مثل اینها هستند لکن آنچه الان بایشان می دهند
نصف این مقداری است که اینجا پیشنهاد شده است
و وقتی که آن رئیس و اعضاء قانونی را انتخاب کردند
همین کار را خواهد کرد بیشتر نخواهد کرد و این
تصویبات مجلس در اینصورت اینگونه حقوقها میداد
میشود برای بودجه ها و بودجه ها چطور نوشته شده است
که نمیشود آنرا رد قبول کرد علاوه بر این از این مأخذ
آنوقت خیلی که بودجه خواهد داشت و خیلی خرج
معاوضه بر عایدات خواهد شد و این ترتیب میزان
بودجه های ما بدو برابر خواهد رسید مثلاً بودجه ما
۲۶ کروار است پنجاه و دو کروار خواهد شد البته این
میزان را نمیتوانیم از عهده بر آئیم پس بنده عرض
میکنم که باید که با اینملاحظه عایدات هم بشود ملاحظه
شکل مستخدمین هم شود ملاحظه بودجه هاهم بشود و
ملاحظه و مقایسه این حقوق و حقوق سابق هم بشود
و ملاحظه این شود که این تصویبی که در اینجا میکنم
بنا خواهد بود برای بودجه ها و این مقداری که ما بر آورد
کرده ایم موافق خواهد بود از برای دوبرابر شدن
بودجه ها و بعضی بودجه ها را بخوانند بود که ما از عهده اش
نخواهیم آمد و بنده این را زیاد میدانم بیش از آنچه
الان بشوین محاسبات میدهند تصویب نمیکنم
رئیس - مذاکرات در کلمات نیست در کلمات سابق
شور شده است این شور دوم است و گویانظریات آقایان
مطابق باشد با نظر بنده که این ماده شش فقره
است و باید شش جزء شود و در هر کدام علیحده
باید مذاکره شود.

فهیوم الملک - بنده از اینکه بجهت دولت
جدید يك مخارجی بیش میآید متذلل نیستم بجهت
اینکه دولت جدید مستلزم تأسیسات جدید است و
تأسیسات جدید مستلزم مخارج جدید است يك
ترتیبی سابق بوده که به چوچه نمی توان ربط داد
با ترتیبات امروزه و مقایسه کرد با ترتیبات امروزه
می گویند سابق يك مستوفی بود سالی دو دست سیصد
تومان حقوق داشت آنرا هم اگر از بنده بپرسید
زیاد بوده است بجهت اینکه روز اول که داخل خدمت
میشد می گفتند که دخل خواهی داشت و يك حق باو
میدادند آن دخل را همین رئیس دیوان محاسباتی
که شما امروز ملاحظه میفرمایند همان کسی است
که سابق باو می گفتند و بر بقایا و به چوچه نمیآید
بمأمی دو دست تومان سالی دوهزار چهارصد تومان
خدمت بکند نهایت يك کارهایی آنوقت معمول بود

مشیر حضور - عقیده بنده این است که
بعد از مواج رئیس کل و رؤسای محاکم کل
مقرری سایر اعضاء دیوان محاسبات باید درجه زیاد
نیست اگر مستوفیان دوره سابق را ملاحظه کنید
که در حال دو دست سیصد تومان حقوق داشته اند و
با اینها بخواهیم مقایسه بکنیم يك قیاس غلطی
است برای اینکه آن مستوفیان سالی سیصد تومان
مواج داشتند لکن بعد از یکی دو سال پنجاه هزار
تومان مالیه داشتند و من همینقدر عرض می کنم در
خصوص رئیس رؤسای محاکم قدری زیاد است اگر
تخفیف در مواج رؤسای محاکم و رئیس کل
داده شود بی جا نیست لکن حقوق سایرین زیاد نیست.

دکتر رضاخان - بلی بنده گذشته از اینکه
عایدات مملکتی را کافی میدانم علاوه نسبتی که بین آنها
است آنرا هم غلط میدانم و بیش آنها نسبت عادلانه
باید باشد و بنده گمان نمیکنم نسبت رئیس محکمه
را با رئیس کل دو برابر باشد یعنی يك کسی که
رئیس کل شد مخارج او هم که مقابل آن رئیس
محکمه باشد و وضع تمیز او دو برابر باشد همین

که رئیس کل شد نه شکش بزرگتر می شود و نه
عایداتش زیادتیر می شود و نه از ازاو معلوم می شود که
رئیس چند در عیال دارد معجزه قدر عیال دارد.

فهیوم الملک - این اظهار دکتور رضاخان
اگر چه از روی يك عقیده مسلکی است ولی بنده
عرض میکنم اگر تصور کنیم که آقای دکتور امروز
در منزل خودشان يك بنیانی داشته باشد محقق است
که بنام روزی پنجاه هزار مزد می گیرد عمده روزی
دوهزار دو ربال آیا شما عوض بنام عمده خواهد
آورد که روزی دوهزار مرد بگیرد یا بنام خواهد
آورد روزی پنجاه هزار مرد خواهد داد اگر این
کار را نکردید بنده تصدیق می کنم که این حقوق
از برای رئیس کل زیاد است و نباید مساوی
باشد حقوق رئیس کل و رؤسای محاکم و حرفی ندارم

حاجی شیخ اسدالله - بنده بکلی این ماده
را در قانون دیوان محاسبات زیادی میدانم برای
اینکه ما قانون می نویسیم تعیین حقوق اعضاء دیوان
محاسبات را میکنیم این يك اشتباهی است که باید
این ماده در قانون دیوان محاسبات الغاء شود دیگر
اینکه راجع بخرج است باید کمیسیون بودجه برود
بعد مجلس بیاید و در این ماده مذاکره شود و بدون
اینکه برود کمیسیون بودجه و راپورتش بیاید
نمی توانیم در این مذاکره نماییم و استند می کنم
که مذاکرات را در این خصوص قطع کنید و بفرستید
بکمیسیون بودجه و در جزء بودجه کل مجلس بیاید

فهیوم الملک - خیلی اشتباه فرموده اند آقای
فرمایند بیستم آنجری که اینجا صورت شده است
برای نیست در مقابل کسی نیست که این پول را
برای او تصویب می کنیم باز میبندد یا حیر این
يك قوانین اساسی است و این مواجی است که برای
طبقات مستخدمین دولت از هر طبقه که باشند حقوقی
تصویب می شود یعنی مقرری قانونی مسلماً و وقتیکه
این تصویب شد هیچوقت سناط نمیکنند حقوق
مجلس شورای ملی را در تصویب بودجه این يك
میزی است معین شده به مدیر اداره چقدر و مدیر
دایره چند مثنی چقدر ولی هیچوقت حق مجلس
شورای ملی در بودجه سابقاً نه نخواهد شد و
باید بیاید به مجلس بخصوص يك هیئتی که موقتی در
سر کار باشد و اگر این هیئتی را که موافق قانون
گفتیم این طور تشکیل بدیم حقوق اعضاء ریخته
آنها را که از طرف مجلس معین میشوند از روی
این میزان معین است ولی حق اینکه الان بروند يك
هیئتی را بنشانند و از روی این میزان حقوق بدهند
خیر اینطور نیست وقتی میتوان گفت که مجلس تصویب
خرج کرده است که در ضمن بودجه دیوان محاسبات
بمجلس بیاید و تصویب شود آنوقت مجلس صوب
خرجی کرده است اینجا تصویب خرجی نشده است
که برود و بنشینند و خرجی بآنها داده شود هنوز
موضوع ندارد و هیچ نباید ما رأی بدیم به پول
پولی نیست اینجا نقداً يك چیزی است تصویب می کنیم
که بعد باو عمل شود همانطور که گفتیم رئیس کل
دیوان محاسبات حق دارد که کاغذها را رسیده کی بکند
و بحسابها رسیده کی نماید و همانطور هم می گویند

که دوست تومان حقوق باو بدهند و آنوقت که
بودجه آمد مجلس و این اعضاء انتخاب شدند و
رئیس تعیین شد آنوقت در آن باید رأی داد و تصویب
کرد که برود و بپردازند آن بودجه است که باید
کمیسیون بودجه رأی بدهد حالا در کمیسیون قوانین
مالیه يك قانونی است که آن اساسی میشود از برای
حقوق ادارات آن هیچ مأخذ نمی شود از برای این که
باید بودجه آن مخارج را به مجلس بیارند و آن تصویب
مجلس بکنند.

آقای سید حسین اردبیلی - بنده عرض میکنم
کمیسیون بودجه و کمیسیون قوانین مالیه در خصوص
این ماده يك قدری عجله کرده اند برای اینکه بودجه
وزارت مالیه مبادا دیر برسد و بودجه دیوان محاسبات
هم که در ضمن بودجه وزارت مالیه به مجلس خواهد
رسید شاید این بودجه هم جزء آن بودجه دیر بیاید
به مجلس از این جهت بوده است و این معلوم است که
بودجه دیوان محاسبات جزء بودجه مالیه است وقتیکه
آمد به مجلس در ضمن بودجه سایر اعضاء هم تصویب
خواهد شد و حالاً که معبر معترض تصویب نمیکنند که
این خرج است بنده عرض میکنم که این خرج است
زیرا که وقتی اعضاء شد آنوقت تشکیل يك اداره
بنا فاصله با آنطوری که از کمیسیون و مجلس می گذرد
تشکیل خواهد شد و همان طور رفتار خواهد شد در
صورتیکه وزارت مالیه خودش پیشنهاد نکرده است
کمیسیون معترض پیشنهاد کرده است خوب بود که
وزیر پایه خودش پیشنهاد می کرد آنگاه فقط
یکه در جزء بودجه وزارت مالیه به مجلس می آید و
بنده موافق باشخصی لازم نمی دانم این ماده را

در قانون بواسطه این که حقوق بواسطه اختلاف زمان
شاید تفاوت بکند بجهت اینکه بیشتر تبه مقضی
است که زیادتیر بشود حقوق يك مرتبه کمتر بشود
این است که تصوری کنم که این ماده اصلش لازم نیست
در این جا باشد.

فهیوم الملک - بقایا حذف این ماده بسته
است برای اکثریت مجلس ولی برای استحضار
آقای اردبیلی عرض می کنم که يك ماده دیگری هم
در این قانون هست که در آن نوشته شده است حقوق
اعضاء موافق فهرستی خواهد بود که منضم باین
قانون خواهد بود و بعد مخاطر معترض آن است که
وقتیکه ذکر شده بود که این ماده راجع است به حقوق با
معاون وزارت مالیه در کمیسیون مذاکرات شده است
و ترتیباتش داده شده و کمیسیون عجله نکرده است که
مبادا بودجه وزارت مالیه بگذرد خیر این نیست اجراء
و مستخدمین دفتر و سایر مستخدمین که هست به ساز
آنی که وزارت مالیه بودجه کل را نوشت حقوق و
مخارج آنها را هم تعیین و در ضمن بودجه کل میآورند
بمجلس آنوقت تصویب خواهد شد کمیسیون در این جا
اظهار عقیده نکرده است و از پیش خود هم چیزی نوشته
است و این بسته است برای مجلس.

بجهت - بنده مخالف با فرمایش آقای معبر
که می فرمایند این هیچ خرجی نیست و ربطی ندارد
بکمیسیون بودجه و بودجه وزارت مالیه همچو تصور
می کند که بودجه دیوان محاسبات که می آید اسم
برده می شود در صورتیکه بودجه دیوان محاسبات هم

که بیاید به همین طور بنظر رئیس کل مستشار و معزین
بطور کلی که اسم برده نشود پنده هیچ تصور
نمیکنم که بودجه دیوان محاسبات جزء قانون شود
بجهت اینکه قانون دائمی است بودجه موقتی است
و سال بسال تغییر پیدا میکند یعنی بودجه امسال
تا تصویب مجلس نرسد صحیح نیست پس در این
صورت يك قسمتش سال بسال تغییر میکند و يك قسمتش
دائم است یعنی يك قسمتش باید هر ساله بیاید به مجلس
و در معنی يك رأی داده ایم بر درآمد این ماده و می بایستی
بعد از گذشتن این ماده در سنوات آتی به در جزء بودجه
این قید بشود می فرمایند که در بودجه بعد اسم می بریم
وقتی می کنیم پس عرض میکنم خاصیت این چیست
که این جا ذکر میکنیم لهذا بنده عرض نمی کنم که
این متضمن يك خرجی است ولی این بودجه دیوان
محاسبات قید میکنیم در قانون عدلیه هم در جزء اش را هم باید
جزء قانون عدلیه بکنیم پس این قوانینی است که
وضع میکنیم بودجه معنی ندارد بنا بر این تقریرات
این را باید مجزا کنیم که در وقت این بگذارد و کمیسیون
بودجه زودتر راپورت بودجه را در مجلس بیارند که
تصویب شود تا آنوقت رئیس فرمودند که این ماده
دارای چند فقره است و باید فقره فقره رأی بگیریم
و این مقوی حرف بنده است اگر این يك ماده قانون
است باید يك مرتبه رأی بگیریم پس باید اگر یکی یکی
رأی گرفت پس این بودجه است خصوص که چون
نوشته است که به بلان رئیس فلان قدر بدیم وقتی که
این تصویب شد فلان رئیس باید بگیرد این خرج است
خرج دیگر کدام است.

حاج آقا - این ماده که در کمیسیون قوانین
مالیه می گذشت يك نظرانی برای اعضاء بود که این
چند ماده را برای رئیس و مستشاران و معزین و غیره
را معین بکنند مخصوصاً اندازه مواجشان را معین کنند
و این را اسم نباید گذاشت بودجه دیوان محاسبات بودجه
دیوان محاسبات عبارت از حقوق رئیس رؤسای محاکم و
مستشاران و معزین را اجراء و مستخدمین دیوان محاسبات
است و اینکه این چند اشخاص معترض نه انتخابشان
در مجلس می شود مخصوصاً نظر کمیسیون قوانین
مالیه بر این بود که مواجشان را معین بکنند که مثل
سایر اجراء ادارات و مستخدمین دولت حقوق آنها
جزء بودجه وزارتخانه نباشد و ملاحظاتی در این رأی
داشتند و یکی از اینها این که رأی داده بنده بوده ام
و آن ملاحظه رأی دادم و خود بنده این پیشنهاد
را کردم که معبر فرمودند رئیس کل در مسائل محاکم
و مستشاران و فلان که اینها را ما انتخاب می کنیم
يك اشخاصی هستند که تمام امور مالیه مملکت را
از حیث صادرات واردات و مخارج و حساب و صحت
آنها تعیین کنند و آنطوریکه آقای دکتور رضا
خان فرمودند بزرگترین وظیفه مجلس شورای ملی
است که مواج آنها می خواهیم تضمین و مرتب کنند
پدیوی است که ما نباید آنها را مثل سایر مستخدمین
تصور کنیم همه قسم باید از آنها ملاحظه شود چه
از رئیس کل و سایر رؤسای محاکم و مستشاران و معزین
و غیره فرد فرد حقوق کافی برای ایشان معین شود
که فردا که این اداره تشکیل شد و این اشخاص در
مجلس انتخاب شدند دیگر هیچ نظری بوزیر و غیر
وزیر نداشته باشد و همانطور که اول در آن ماده

رای دادند این منضم باین قانون است یعنی مواجب
اعضاء دیوان محاسبات بموجب قانونی است که منضم
باین قانون است و اگر امروز این ماده از رای بگیرند
و از مجلس بگذرد مخالفت با آن ماده دارد که اعضاء
دیوان محاسبات حقوقشان موافق فهرستی است که
منضم باین قانون است و آنطور هم که آقای آقا
سید حسین فرمودند نه طوریست که هر سال بتوانند
کم و زیاد کنند بلکه یک نظر قانونی با او کردیم
که وقتی که تبدیل در مواد قانونی لازم بدانند این
را هم مثل مواد تغییر بدهند نه نظر بودجه است
که هر سال کم و زیاد بکنند بنده در سایر اجراء وزارت
خانهها موافقم که هم ادارات تقبل شود و هم وظایف
و مواجب آنها زیاد نباشد ولی اعضاء دیوان محاسبات
که باید صحت عمل تمام مستخدمین دولت را تضمین
و مرتب و رسیدگی بکنند رئیس کردار دوست تو مان از
برای او زیاد نباید داشت برای اینکه صحت عمل از او
میخواهیم و درستی کار یک نفر رئیس کل را تصور
میکنیم از یک نفر معاون وزارت خانه درجهش بالاتر
باشد که اگر از روی درجات کار بخواهیم مواجب
معین کنیم مخصوصاً پانها می که یک نظر اختصاصی
داشتیم که این را بترتیب قانونی بآن بدهیم که
نظر وزارت خانه در آن باشد همین طور که حقوق
ندیده کان مجلس شورای ملی از کمیسیون محاسبات
نمی آید به مجلس شورای و بکمیسیون بودجه رجوع
می شود این چند نفر هم که از مجلس انتخاب می شوند
و منتخب مجلس هستند می خواهیم توجیهشان از وزارت
خانه بریده باشد که در این پنج ساله که هستند سالی
یک طور تغییر و تبدیل می دهند که تزلزل داشته
باشند و اگر این را رد کنیم مخالف آن ماده است که
از اول رای گرفته شده و تصویب شده که حقوق اعضاء
دیوان محاسبات منضم باین قانون خواهد بود این
را ملاحظه بکنید بنده دیگر عرضی ندارم .

و ملاحظه بکنید بنده دیگر عرضی ندارم .

معزز الملک - بنده متأسفانه کاملاً مخالفم
با آقای حاج آقا با آقای مجرب که اظهار فرمودند
که ما نباید هیچ وحشت داشته باشیم از زیادتی ادارات
وزارتی حقوق ولی بنده وحشت دارم صحیح است
مدنکی که رویتچندمی رود و اساس تجدید را می خواهد
کامل بکند ولی چه در اساس اداره وجه در دادن
حقوق لا ابالی گری نباید بکند کلبه حقوق اعضاء
ادارات مایباید در تحت اصول مرتبی بیاید و ما
کلبه اداراتمان را از روی آفتاب و آن اصول حقوق
بپردازیم بنده مخالفم با اینکه این ماده اینجا باشد
جای این ماده اینجا نیست و این از دوشق خارج نیست
بعضی آقایان از نظر بودجه نگاه میکنند و این جایش
اینجا نیست زیرا قانون بودجه یک قانونی است سالانه
و باید عوض شود سال بسال و این قانون سالانه نیست
یعنی الان که رای دادند این قانون دوام پیدا میکند
پس این نظر می کند قانون استخدام و قانون استخدام
جایش این جا نیست برای کلبه ادارات شما مجبور
هستید که یک قانون استخدامی بنویسید اگر چه
آقای حاج آقا این جا یک اظهاری کردند که نباید
این جزء بودجه وزارت مالیه بیاید ولی بنده
مخالف هستم و بقیه دارم که نظر ایشان استقلال
اعضاء دیوان محاسبات است ولی خودشان هم اگر

دقیق بفرمایند تصدیق خواهند کرد که خود تعیین
اعضاء دیوان محاسبات از مجلس این بالا ترین
استقلال است که بآنها می دهیم و اگر شما این طور
دقت دارید پس باید بگوئید که فضای آنها هم از
مطبخ مخصوص مجلس برود برای اینکه بر استقلال
آنها افزوده شود این طور نیست و علاوه بر این اعضاء
دیوان محاسبات هر چه باشند مستخدمین دولت هستند
یک چیز فوق العاده نیستند این که می گویند ترفیع
ایه ندارند و وقتی هستند حقوق نقدی ندارند
این ممکن است یک چیزی را شایع کنید در آن قانون
حقوق استخدام که برای مستخدمین دولت معین می
کنند می تواند یک ملاحظه بنمائید برای این اعضاء
دیوان محاسبات می توانید یک درجه بالاتری معین
بکنید یعنی مثلا مستشار دیوان محاسبات را مطابق
بکنید با مدیر کل یک وزارت خانه که حقوق او را
مطابق او بدهند برای اینکه ترفیع رتبه ندارند
یک درجه حقوق بالاتری با بدهید از سایر ادارات
ولی اینکه اینجا بگوئید و معین بکنید و این ماده را
جزء این قانون بکنید یعنی در قانون هر یک از ادارات
حقوق آنها هم معین بکنند جز هرج و مرج برای
اینکه در هر اداره نظراتان مختلف خواهد بود
مثلا حالا شما کم کنید و مستخدمین استقلال اعضاء
دیوان محاسبات بود پس خوب است برای قضات هم
معین کنید زیرا قضات هم با مستعمل باشند در کار
خودشان هیچ جهتی ندارد که بگوئیم حقوق قضات
نماید در جزء قانون عدلیه باشد پس بالاخره تصور
می کند اکثریت مجلس هم تصویب بکنند که این
ماده جزء قانون دیوان محاسبات باشد بلکه این ماده
باید شایش در جزء قانون استخدام بشود و آنوقت
هیچ ایرادی وارد نخواهد شد .

هیچ ایرادی وارد نخواهد شد .

فهریم الملک - عرض کردم بنده اصراری
ندارم از گذشتن و نگذشتن این ماده لیکن مجبورم
نظرات کمیسیون در عرض کنم بعضی از آقایان
فرمودند که این راجع به بودجه است بنده عرض می
کنم در این قبیل تأسیسات مایباید دیگر تردید داشته
باشیم زیرا مملکت هستیم و مجتهد نیستیم یعنی جا
های دیگری که در تمدن و پیشرفت ترتیبات علیشان
بیشتر از ما بوده و این کار را کرده اند اما آنها را باید
در نظر داشته باشیم و اساسی بگیریم برای سز هائی
که میخواهیم تأسیس کنیم و گمان میکنم نظرات
ایشان هر چه باشد کامل تر است از نظرات ما بنده
چند قانون دیوان محاسبات دارم که در آنجا هست
این مسئله اگر آقایان بخواهند نشان میدهم در تمام
یکجا هست در آن ماده تعیین حقوق اعضاء دیوان
محاسبات نموده است هیچ نمی توانیم بگوئیم که یک
چنین معالکی که سالها در راه تمدن و ترقی خودشان
سیر کرده اند هنوز فهمیده اند که این ماده جزء بودجه
است و اینکه هم حالا جزء قانون کلی است همان نظراتی
بود که اینجا در کمیسیون بطور مختصر گفتیم که این
چیزی نیست که ربطی به بودجه داشته باشد و اما
اینجا آقای معزز الملک که با بنده اظهار مخالفت
فرمودند اگر انصاف فرمایند بنده در ترتیب ادارات
درست عرض کردم زیرا هیچ عرض نکردم ادارات را
بطور غیر محدود زیاد خواهند کرد عرض کردم تجدید
مستازم توسعه ادارات خواهد بود نگفتم که در آن

دوره هر چه بوده است معین آن اساسی که بوده است
همان اساس باشد مرض کردم با نهایت اختصار آن
نوشت که مستلزم دوره تجدید است پیش بیاریم که آن
سختی را نداشته باشیم و اینکه فرمودند این راجع
بقانون استخدام میشود خودشان در آخر فرمودند که
این را با سایر ادارات مقایسه نمیتوانیم بکنیم و در قانون
استخدام یک قری بگذاریم و بنویسیم تا یک درجه
بالتر باید میزان معینی معینش جز این است که این
ماده را بر فرض در قانون دیگری بنویسیم که بگوئیم
مثلا مستشار نظیر خواهد بود با رئیس و فلان فلان
باید باشد یعنی بر مراتب حقوق او را خواهد گرفت و
در اینجا یک چیز دیگری ذکر شده است که هر سه سال
بسه سال مستخدمین ادارات یک اضافه خواهند گرفت
و اینها آنرا ندارند چیزی که هست یکجا دیگر باید
آن وقت در آنجا بیافزاییم که این اجراء چون موفقی
هستند اضافه حقوق نمیرند پس یکجا اگر از اینجا
حذف بکنیم باید در ماده در آنجا بیافزاییم پس اگر
نظر باین است که یک چنین ماده در قانون استخدام
باید نوشته شود چه ضرر دارد که اینجا نوشته شود و
یک چیز دیگری که آقای حاج آقا فرمودند که نباید
این در جزء بودجه وزارت مالیه بیاید - مجلس و راجع
به ماده بیست و یک بخواهند بنده آن ماده بیست و یک
را که تصویب شده است میخوانم تا آقایان بدانند
ماده بیست و یک بمضمون ذیل قرائت شد .

ماده بیست و یک - مواجب اعضاء دیوان

محاسبات و دفتردار کل و مدعی العموم در فهرستی که
ضمیمه این قانون است معین شود حقوق سایر اجراء
و مستخدمین دیوان محاسبات که عده آنها در نظامنامه
داخلی معین میشود همه سه ساله جزء بودجه وزارت مالیه
بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود .

بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود .

فهریم الملک - این چیزی هست که در
مجلس رای داده شده است یعنی معین میکنم حقوق
اعضاء را بر حسب حقوق سایر مستخدمین دیوان محاسبات
را با سایر ادارات وزارت مالیه باید منضم شود و
بمجلس بیاید و حالا اگر مجلس میخواهد یک چنین
ماده نباشد اکثریت مجلس قاطع است بر هر چیزی
در صورت اگر این ماده حذف شود آن ماده هم
صورتی نخواهد داشت .

فهریم الملک - بنده فرمایش حضرتعالی را
تایید کردم آقای معزز الملک اشکالی کرد در دفع آن
اشکال را کردم
رئیس - یکی میگوید که باید این ماده
حذف شود یکی میگوید که حذف نشود اگر ما
این را بگوئیم حذف شود پس آن ماده هم حذف
می شود و حال آنکه رای بآن ماده داده ایم و
تصویب شده است در فهرستی که منضم باین قانون است
پس خواهش دارم آقایان که عقیدهشان اینست که
این ماده حذف شود لایحه ماده گذشته از مجلس
را بفرمایند .

بفرمایند .

افتخار الواعظین - بنده عرض میکنم
بموقوف ما یک نقطه نظری مستقیم که باید این
حقوق هم در ذیل بودجه وزارت مالیه بحساب تقدیم
شود و این حقوق در ذیل این قانون نباشد ولی یک
نقطه نظری که بنده ملاحظه می کنم و عقیده ام اینست
که باید در ذیل همین قانون بگذاریم برای اینکه
آیا این تأسیسی است دولتی یا غیر دولتی عرض می
کنم وقتی که وزیر مالیه خواست حقوق آنها را
پیشنهاد کند به مجلس سایر ادارات وقتی که نگاه
کنیم حتی به آن بودجه موقتی سال گذشته نگاه
کنیم باز خواهیم دید که نسبت بآنها زیاد نیست
یعنی باشخصی که در وزارت خانه ما هستند و ماهی
دویست تومان تصویب کردیم که شاید مرتبهشان
از رئیس دیوان محاسبات خیلی کمتر باشد کارشان هم
کمتر به آن عرض می کنم این اشخاصی که اینجا
اسم برده شده است کار رئیس کل رؤسای معاکم و
مستشار و غیره و مدعی العموم باشد خوب است آقایان
در نظر مبارکشان این مطلب را داشته باشند که
آنها کسانی هستند که سالی بیست و شش کرور
محاسبات مالیه شما را باید رسیدگی کنند اینها
مردمانی باشند که در تمام ادارات شمار در تمام مصارف
و مخارج مملکت شما رسیدگی بکنند و نظر دارند و
تصدیق و تکذیب آنها محل اعتبار است و اشخاصی
که در بیست و شش کرور مالیه دولت بخواهند نظر
بکنند بنده آنها را سیر تصور می کنم نگاه داریم بهتر
است تا گرسنه باشند بنده ماهی دویست تومان برای
رئیس کل زیاد نمیدانم و تصویب می کنم و به نقطه
نظر دیگر عرض می کنم که باید این اعضاء بالمره
نظری بوزارت مالیه نداشته باشند ممکن است وزارت
مالیه یکسال در ذیل بودجه چهار صد تومان برای
رئیس کل پیشنهاد کند مجلس شورای ملی صد تومان
ادراک کند و سیصد تومان را تصویب کند و آنوقت
آز رئیس کل بنگظری بوزارت مالیه دارد و نظر
دیگری بمجلس دارد و یکسال هم معتدل است که
در ذیل بودجه وزارت مالیه از برای رئیس کل دویست
تومان پیشنهاد کنند مجلس شورای پنج صد تومان
ادراک و ماهی صد و پنجاه تومان تصویب کند پس
آن رئیس کل نظر دیگری بوزیر مالیه خواهد
داشت پس باید وزیر مالیه بواسطه زیادتی حقوق
و کمی حقوق نفوذی در آنها نداشته باشد باید این
حقوق به تصویب مجلس باشد که این اعضاء هیچ
نظری از بابت حقوق بوزیر مالیه نداشته باشند یا
بجای دیگر نظر اینها باید بمجلس شورای ملی

باشد حکما اینکه انتظاشان از مجلس است حقوقشان
هم بدانند از طرف مجلس تصویب شده که لایحه
ولایت است که نه دیگر نظرشان بهر کسی باشند و
و نه نظر تطمیع بجای داشته باشند بنده نظر باین
نکات عرض می کنم که حقوق این اعضاء باید در
ذیل همین قانون تصویب شود باز تکرار میکنم
برای اینکه نظری بجای دیگر نداشته باشند و اینها
سیر باشند نفع مست و سیر باشند بهتر است از این که
گرسنه باشند .

بفرمایند .

حاج شیخ الرئیس - بنده با کمال
اختصار یک مطلبی را اگر چه موضوع جزئی است
ولی بطور کلی و اساسی عرض می کنم آقایان و
نمایند گمانی که در این موقع نظرشان باقتصاد مالیه
خاصه باحالت حالیه باشد بلی این نظر خوب نظری
است لیکن باید بدانند که اگر یک
اداره ای دائره ای باید تأسیس شود از آن اداره و معاکم
ما خیلی آرزوی فواید زیاد داشته باشیم برای
آنها مملکت خودمان همان اندازه هم باید تجویز
بدارند و تصویب کنند باین که حقوق برای این
اشخاص با این مراتب مخصوصه و مناصب مخصوصه
زیاد نیست زیرا اگر ادارات که حالا در آن مذاکره
است با آن طوری که معین شده است که بمیل تجدید
بروزان است اداره شود و امیدوارم که بشود و آن
اخلاق و افعال سابقه بقول ایشان که ممول و قانونی
یعنی قانون استبداد است بمابقیه ماده که این دویست
یا سیصد تومانی که پیشنهاد شد است زیاد نیست و
آن مقایسه با حالت سابقه عرض میکنم نفیاس
بین الفارق است بجهت اینکه حکومتهای سابقه که
یک مکتبی می رسیدند معلوم است که آن در ازای
چه اقدامات متهورانه و مستبدانه بود و حالا یک
وظیفه مخصوصی خرج می رود و بتغییر و اختلاف
مسائل همان طور که بعضی از نمایندگان ملاحظه
می فرمایند که اگر بپذیری زحمت بپذرد زحمت
بباید این ملاحظه را بفرمایند طوری بکنیم که
موافق یک امنیت خاطر بی توانند از عهده خدمت
های مرحوعه که بر عهده آنهاست بر آیند و اگر این
گونه دقت ها بشود یا این نحوه رجوع بکمیسیون
بشود بنده نه اینکه این رجوع را مخالف
می دانم ولی متأسفانه عرض میکنم که این همه
نیام و قبودی که و کلاه محترم کرده اند تمام
بهدر است .

بفرمایند .

آقای میرزا مرتضی قلیخان - عرض می
کنم مطلب در اینست که این ماده حذف شود یا
نشود اگر تصویب شد که در اینجا باشد آنوقت در
کم و زیادتی مذاکره خواهد شد (در این موقع
پیشنهاد آقای شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت شده بنده
پیشنهاد میکنم که این ماده از قانون دیوان محاسبات
خارج شده همه ساله در ضمن بودجه مقرر شود شیخ اسدالله
آقای شیخ اسدالله - چون این پیشنهاد از
بنده بود اینجا اظهار شد که این پیشنهاد مخالف
بماده ۲۱ است و حال آن که آن ماده دارای داده ایم
بنده میخواهم آن ماده [۱] را بخوانم که بدانند منافاتی
ندارد ماده در قرائت نموده بالفطریه غیر از جزء
بودن است آنجا آمده است که ماده جزء این مواد

بفرمایند .

کرده است که هیچ دخلی باین قانون ندارد این یکی
که مخالفت با این ماده ندارد و دیگر در آخرش
مبنویسد که این بودجه و حقوقی که در حق اعضاء
دیوان محاسبات منظور شده است جزء بودجه وزارت
مالیه همه ساله بمجلس پیشنهاد میشود این هیچ
مخالفی با این ماده ندارد و باید بودجه دیوان محاسبات
ضمیمه بودجه وزارت مالیه شود و همه ساله بمجلس
بیاید و این که آقای مخبر میفرمایند ملاحظه کردیم
در این قانون از قوانین سایر دول بنده این را عرض
میکنم که یک اصلاحی است میان تعیین میگویند
چون تعیین بصر قریب این جور کردند ما هم کردیم
معلوم میشود که هیچ دلیلی ندارد این دلیل منطقی
نیست که بنده متقاعد بشوم که چون آنجا اینطور
نوشته شده است و ضمیمه کرده اند ما هم در اینجا
آن طور ضمیمه کنیم .

بفرمایند .

فهریم الملک - اینکه حضرتعالی میفرمایند
بواسطه این است که فرمایشات سایر آقایان را توجه
نفرمودید آقایان اظهار فرمودند که این ترتیب بودجه
است قانونی نیست بنده هم عرض کردم که اگر اعضاء
کمیسیون اینقدر بی اطلاع بودند که ماده قانونی را
باید در حق نگذاشتند پس چرا آنجا رجوع میکنیم
و دیگر دولتهای متدنه را میتوان گفت که وضع
مالیه شان خیلی بهتر و عالمانه مرتب کرده اند آنکه
عرض کردم این بوده و دیگر که فرمودید اینجا نوشته
است ضمیمه این قانون میشود خوب بود توضیح
میدادید که آن چیز است ضمیمه میشود ضمیمه قانون
به چه شک خواهد بود چون ما این قانون را هم بطور
ماده بماده میخوانیم ترتیب ضمیمه را چون بنده هنوز
اطلاعی ندارم که چه طور خواهد بود خوب بود
توضیح میفرمودید .

بفرمایند .

نایب رئیس - اگر در این پیشنهاد کسی مخالفت
ندارد رای بگیریم .

بفرمایند .

دکتر رضاخان - بنده عرض میکنم که این
پیشنهاد منافی است با آن ترتیب که کمیسیون بودجه
چون اعضاء دیوان محاسبات از طرف مجلس انتخاب
میشود وقتی که انتخاب میشود داوطلبانیکه در خارجند
بدانند که حقوق آنها چه راست و یک اندازه ای که امروز
تشکیل می دهیم باید بدانند استقلال دارد می تواند
رسیده گی بحساب کند یا باید تابع وزیر باشد آنها هم در
حقوق مثلا در این سه سال مدتی که اعضاء دیوان
محاسبات حقوقی با ما براند امسال گذشت سال بعد
قائل نشد یا نبود یک کمیسیون یا هیئتی یک مواجب
کمی برای آنها پیشنهاد میکند و کمیسیون بودجه
و مجلس هم نمی تواند زیاد کند باید کم بکنند و این
موافق نخواهد بود این خلاف دارای است طوری
باید کرد که مخالف استقلال او نباشد و مخالف
آزادی او نباشد .

بفرمایند .

حاج عز الملک - عقیده بنده و جمعی
که اظهار کردند کمیسیون بودجه بود هیچ منافی
بقانون نخواهد بود عقیده بنده و حضرات هم هست
که جزء این بشود و این هیچ خلاف قانون نیست
اینکه گفته می شود که این نرود بکمیسیون بودجه این
هیچ عیبی ندارد که بکمیسیون بودجه بیاید بنده ضمیمه
بشود ابتدا مخالف قانون نخواهد بود

نایب رئیس - این يك تفاوتی پیدا می کند بجهت اینکه برود کمیسیون بودجه و برگردد جزء این قانون نمیشود پس باید رأی بگیریم که تکلیف معلوم شود .

فهم الملک - ماده (۲۱) این دو مسئله را خوب تفکیک کرده است (ماده را فرانت نمود فوری) پس بموجب این جزء از ماده باید جزء این قانون شود و اما اینکه کی میروند کمیسیون بودجه (جزء ماده دیگر را فرانت کرد) وقتی که بودجه مالبه آمد بمجلس بودجه تعیین میشود . پیشنهاد آقا شیخ اسدالله مجدداً فرانت شد (رأی گرفته با اکثریت رددش) در این موقع دوفقره پیشنهاد از طرف آقا میرزا داودخان وحاج سید ابراهیم بمضون ذیل فرانت شد - پیشنهاد آقا میرزا داودخان چون ماده (۲۱) رأی داده شده است بنده تقاضا میکنم بماده (۴۰) بکمیسیون بودجه رجوع شود بانظریات کمیسیون بودجه بمجلس پیشنهاد شود داد (با اکثریت رددش) پیشنهاد حاجی سید ابراهیم بنده پیشنهاد می کنم این ماده بکمیسیون بودجه برود پس از بر کشتن رأی گرفته شود ابراهیم (با اکثریت رددش)

نایب رئیس - این پیشنهاد ها که رددش حالا مذاکرات می کنیم نوبه از باب است .

از باب کمیسیون - در باب اینکه بعضی از آقایان در باب کم و زیاد شدن حقوق اینها فرمایشات دارند بنده است عا دارم نظری بچیزهایی که گذشته است بکنند بنده هیچ نمی دانم علت اینکه بمستعملین گمرک شش هزار نه هزار دهم از تومان میدهند چیست علتش صحت عمل آنهاست در اداره کردن کار دیوان محاسبات تمام عایدات مملکت را اداره کردن است از روی صحت و گمرکیکه آنقدر عایدات دارد اینقدر حقوق بگیرند برای این است که اجراء کفایت و صحت عمل است اگر اجزاء کافی نداریم مجبور نیستیم با اجزاء غیر کافی تشکیل بدهیم اگر داریم که باید تشکیل بدهیم یا حقوق کافی زیر نظر بانظریاتی که شده است ما خوب ملتفت شده ایم که موجب غیر کافی نمیتواند اشخاص را همین اندازه دارد اشخاص دزد میشوند بواسطه نداشتن حقوق کافی برای اینکه گذران آنها نمیشود پس باین جهت این حقوق را که اینجا معین شده است هیچ زیاد نمیدانم و عرض میکنم آقایان توجهی نگذارند در انتخاب صحیح این اشخاص توجه داشته باشند .

نواب الدوله - در خصوص اعضاء دیوان محاسبات که اینجا نوشته شده است که حقوقشان معین شود بنده نمیتوانم عرض کنم ترتیب رئیس کل و اعضاء دیوان محاسبات که باید در مجلس بگذرد و اینها مثل يك وزارتخانه بشوند مثلا نظام راوزارت جنگ حقوقی برای آنها تصویب میکند که ترتیب چه قدر و سرهنگ چه قدر و در وزارت مالبه برای از باب قلمه بنویسد که منشی چه قدر مستوفی چه قدر و اینجا چون راجع است بمجلس باید از طرف مجلس معین شود و مجلس باید تصویب کند حقوق اینها را و

پیشنهادی کرده ام در این باب خوب است خواننده شود ضرر ندارد .

وکیل التجار - بنده یقین دارم که آقایان در این رشته خدمت شده اند از دفاع کردن و سایر چیزهایش و دلایل این است که بنده می بینم يك ساعت است اجازت خواستام تا بحال تازه اجازت بنده رسیده است اینک مثلا دلیل می آورند بر اینکه این يك چیزی است اساسی ولی يك خرجی نیست که تصویب می کنیم در صورتی که ما خیلی عجله داریم در انتخاب اعضاء دیوان محاسبات که خیلی زودتر این قانون از مجلس بگذرد و فوراً مشغول انتخاب شویم پس يك چیز اساسی نیست بلکه يك چیزی است که بعد از تصویب مجلس فوراً باید اقدام کرد و کلیه تمام وجوهائی که داده میشود در صورت دارد و شق ثالث ندارد یکی راجع باعضاء و اجزاء مجلس شورای ملی است که تصویب او با خود مجلس است و پول ادهم از خود اداره مجلس داده می شود هیچ راجع بجائی و کمیونی نیست فقط بکمیسیون محاسبات میروند رسیدگی میشود و باید بمجلس تصویب می شود قسمت در پیش با اجزاء مستخدمین دولتی داده می شود و آن قسمت را هم یا از ادارات یا از وزارتخانه ها پیشنهاد می کنند و باز مجلس تصویب می کنند و وزارت مالبه می دهد حالا بنده نمی دانم که این را کدام يك از این دو شق حساب می کنیم این را اگر معین کنیم بمقیده بنده بکلی رفع این گفتگوها میشود و آن نیست اگر هیئت اعضاء دیوان محاسبات را اجزای مجلس شورای ملی می دانید که باید کمیسیون محاسبات مجلس او را رسیدگی کند و بعد بمجلس بیاید تصویب شود که بودجه از جزء بودجه مجلس باشد از اداره مباشرت مجلس حقوق آنها داده شود اگر آقایان میل دارند که بکلی این اداره از ادارات دولتی و جزء وزارت مالبه باشد و دیوان محاسبات را جزء ادارات دولتی تصور کنیم پس حکما باید کمیسیون بودجه تصویب بکنند

فهم الملک - از برای اعضاء دیوان محاسبات این ترتیبی را که فرمودید هیچ نمی توان قرارداد زیرا که اینها را نمی توان تطبیق کرد با اعضاء محاکم عدلیه و سایر ادارات زیرا آنها يك منصب دائمی دارند اینها موقتی هستند و سال بیشتر نخواهند دیدند از سه سال ممکن است که انتخاب بشوند یا انتخاب شوند ولی اعضاء محاکم مدنی در حال خودشان هستند ممکن است که برای مقام عالی تری استعفا بدهند ولی اینها بعد از سه سال ممکن است که انتخاب بشوند یا انتخاب نشوند ولی اعضاء محاکم مدنی در جای خودشان هستند ممکن است که برای مقام عالی تری استعفا بدهند ولی اینها بعد از سه سال باید بکلی خارج شوند از کارها از برای حقوقشان که بمفرمانند باید ملاحظه کرد این طوریکه می فرمائید میزان حقوق آنها بسته بامهت کاری است که دارند در تمام ادارات این طور است که می فرمائید که هر رتبه بدرجه تمام خودش يك ثلث یا يك ربع از او کمتر است غیر این طور نیست که می فرمائید بکارش را ملاحظه میکنند آنوقت از برای اوج حقوق معین می کنند دیگر این را با اعضاء ادارات و غیره هم نمی توان مقایسه کرد بجهت این اینکه آنها دائمی هستند و اضافه بانها داده می شود ترفیع رتبه داده می شود در صورتی که در دیوان محاسبات نه اضافه داده می شود و نه ترفیع رتبه ترتیب این است که میزان از برای کار آنها تعیین می - نند يك رئیس کل با آن وظایفی که دارد اگر معین شد دوست تومان رئیس محکمه که نصف وظایف او را دارد هم میزان آن می باید گفت که کمتر است گویا همان اندازه که کمیسیون

باین ندارد در این ماده دیگر گویا مذاکره لازم نباشد حالا اگر مذاکره میشود دراصل ماده است .

ذکاء الملک - عرض بنده حالا موقف ندارم اگر تا بحال اشکالی باقی مانده است از برای ابتناء این ماده بنده بیایم و عرض خود را عرض کنم والا عرضی ندارم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - از برای این که این مواجیب کم است یا زیاد است بنده میزانی عرض می کنم باید هر چیز بترتیب باشد بولا رئیس این اداره را در مقام و منصب و رتبه و کار در مقام کدام يك از ادارات می دانند اندازه تعیین می دانند یا در مقام یا معاونین و وزراء رئیس در يك مقامی باید باشد بعد از آن بی مناسب است این چرا بجهت این که در تمام دوائر رئیس کل باشد جز بکسریع تفاوت ندارد آنوقت تومان این ۱۰۰ تومان يك میزانی هست در قانون استخدام رئیس کل با رؤسای جزء يك میزانی دارد رئیس کل را آنجا با رئیس جزء يك رتبه ملاحظه کرده اند رئیس جزء را با مستشار و مستشار را با امین یک نلت ملاحظه کرده اند این را اول باید ملاحظه کرد که مساوی است در مقام رئیس دیوان تمیز یا معاون وزیر یا هر که را که بالاتر فرض می کنید بعد از آنکه این معین شد مواجیب آنرا بترتیب مقام رتبه اول رئیس کل با رؤسای جزء هر قدر تفاوت دارد همانقدر رتبه تفاوت داشته باشد و همگذا مستشارها و میزرها این با کدام ترتیب است بمفرمانند .

فهم الملک - آقای وکیل التجار تقریباً از موضوع خارج شدند زیرا که در حذف رأی گرفته ورد شده اند حذف الفاظ دیگر يك چیزی است که تعلق

نظر کرده است صحیح و کافی باشد .

نایب رئیس - مذاکرات کافی شده است حالا بنای رأی گرفتن است و عده هم کافی نیست پس مجلس را ختم می کنیم دستور جلسه آتی بمطابق است با امروز بقیه دیوان محاسبات - يك ماده قانون محاسبات عمومی را پورت کمیسیون نظام راجع با ایالات را پورت کمیسیون عدلیه در باب قبول و انکول پروات تجارانی - مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید .

جلسه ۲۱۳
صورت مذاکرات مشروح روز شنبه ۱۸ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز اندوه تشکیل شد صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک فرانت نمودند .

غائبین جلسه قبل ، آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا ، بی اجازت - شاهزاده سلیمان میرزا با اجازت - سید ابراهیم - سردار اسعد - آقا شیخ حسین زیدی در موقع حاضر نشدند .

رئیس - آقای صدرا العلماء در باب صورت مجلس فرمایشی دارد ؟

صدر العلماء - لوابی که از طرف مجلس قرار بود برای عثبات فرستاده شود چند جلسه جزء دستور بود میخواستم عرض کنم .

رئیس - این راجع بصورت مجلس نیست - این را باید کتباً بمفرمانند یاد موقتی که دستور گفته می شود اظهار بمفرمانند - بلازمه جزء دستور هم گذاشته شده است .

(رئیس صورت مجلس را معاضد نمود)

رئیس - بقیه شور دیوان محاسبات ماده (۱۴۰) مجدداً فرانت شد .

حاجی سید ابراهیم - در این ماده آنروز خیلی مذاکرات شد ولی چند نکته آنجا ماند بنده هم اجازت خواست بوم که عقیده خود را عرض بکنم حالا عرض می کنم و آن این بود که بعضی میگویند که رئیس دیوان محاسبات را باید مثل وزیر یکی از وزارتخانه ها حساب کرد و از این جهت این مبلغ را برای او باید تصویب کرد و همچنین سایر رؤسای دیگر - بنده این را مخالف بودم وجهه عده ش این بود که با ترتیب انتخابی یا استخدامی است اگر ترتیب استخدامی است باید ملاحظه کرد که فلان شخص مساوی با فلان رئیس محکمه است حقوقش هم باید مساوی باشد و اینهم در صورتی است که ترفیع رتبه داشته باشد اضافه مواجیب داشته باشد و چون رئیس دیوان محاسبات و همچنین اعضاء آن اینطور نیست قیاس کردن با اعضاء گمرک و سایر اعضاء قیاس مع الفارق است و با اینکه ترتیب انتخابی است اگر انتخابی است مثل سایر نمایندگان که انتخاب می شوند اینها را دیگر نباید ملاحظه کرد که مساوی با رئیس فلان اداره یا محکمه است باید ملاحظه کرد این شخص که انتخاب می شود بدون ملاحظه اینکه چند سال خدمت کرده

باشد آنوقت انتخاب بکنند لازم نیست که چند مدتی خدمت کرده باشد آنوقت او را انتخاب بکنند تا آنکه وقتی که انتخاب کردند ترفیع رتبه با او بدهند در ترتیب انتخابی نباید ملاحظه کار و ملاحظه گذران و ملاحظه آن شغل را کرد در هر صورت گمان میکنم رئیس که در دیوان محاسبات خواهد بود از این نمایندگان که در اینجا هستند بچوچه نه کارش زیادتر خواهد بود و نه مقامش بالاتر است برای اینکه بعضی از نمایندگان هستند که از صبح تا شب کار میکنند و برای آنها صد تومان تصویب کردیم و باز بعضیها مخالف بودند که زیاد است رئیس دیوان محاسبات هم همین طور انتخابی خواهد بود و حقوقش هم نباید زیادتر از حقوق نمایندگان باشد مقام او را البته باید ملاحظه کرد بجهت مقام و خدمت ولی چون انتخابی است باید حالش را بنیاس حال نمایندگان ملاحظه کرد نباید ملاحظه کرد که رئیس دیوان محاسبات دارای دهنه نفر بیست نفر نوکر خواهد بود و با این مقدار چطور می تواند اینکار را بکند چنانچه در حال نمایندگان که انتخابی هستند باید ملاحظه کرد در این صورت بنده عرض میکنم که این حقوقی که برای آنها معین شده خیلی زیاد است بملاوه این پیشنهادیکه کمیسیون میکنند باید کمیسیون قوانین مالبه هم که يك اطلاع از ترتیبات مالبه دارد ادهم يك پیشنهادی کرده باشد که يك میزانی بدست ما آمده باشد با اینکه افلا در کمیسیون بودجه رفته باشد و در آن نظری کرده باشیم و ملاحظه وضع مالبه را باید کرد تا يك بودجه مرتبی دست ما باشد که از روی آن بودجه مرتب بتوانیم سالی چهار پنجاه هزار تومان مخارج اجراء دیوان محاسبات را تصویب کنیم هیچ کس از اینها نیست و پیشنهاد وزیر هم در اینجا نیست که ما بیستم چه قدر برای اینها تصویب کرده است و بلازمه در بودجه هم که از وزارت مالبه آمده است نصف آن را برای آنها معین کرده است و اشخاصی هم که حالیه در آنجا هستند گمان نمیکنم بعد از این بهتر از اینها انتخاب بشوند تا بحال اینها بهین حقوق راضی بودند مثلا رئیس دیوان محاسبات صد و چهل تومان داشته است که حالا معاون وزارت مالبه است چند مدت هم صحیحاً مشغول خدمت شده است و از عهده بر آمده است برای اینکه هم امثال او را انتخاب خواهیم کرد لهذا بنده عرض میکنم یا باید پیشنهاد از وزیر بیاید که اسباب بصیرت ما باشد یا اینکه بکمیسیون بودجه بیاید که بدانیم برای يك اداره دیوان محاسبات رویه رفته سالی پنجاه هزار تومان تصویب می توانیم بکنیم یا نمی توانیم بنده این ماهی دوست تومان را برای رئیس دیوان محاسبات و همچنین سایر اعضاء زیاد میدانم و حالا تا يك میزانی بدست بیاید همان باشد که در بودجه نوشته شده است که تقریباً نصف این چیزی است که اینجا نوشته شده است

فهم الملک - بنده می بینم تمام آن چیزهایی که در روز قبل یک ساعت که مذاکره کردند دارد تجدید میشود و بنده عرض میکنم که عرض شد که این از طرف وزیر پیشنهاد نشده و بکمیسیون بودجه نرفته است این مطلب مذاکره شد و رای پورت

سابق اگر ملاحظه بمفرمانند خواهد دید که این حقوق با حضور معاون وزارت مالبه فهرست نوشته شد و بکمیسیون این را پیش خود نوشته است و اما اینکه بمفرمانند که همان اشخاص سابق برای اینکه خوبند و بهتر از آنها گمان نمیکنم که بتوان انتخاب کرد و لو اینکه با این وظایف معینی که که میخواهند تشکیل بدهند بنده گمان میکنم که خیلی تفاوت دارد با اینکه تا بحال بوده است بنده صلاح نمی دانم جهة آن را حالا عرض کنم بعضی ملاحظات در آن هست خوب است خودتان فدری تأمل بمفرمانند که بنده اینقدر فرق دارد و بلازمه اینجا زیادتی خرج نخواسته اند یعنی نمیگویند که يك پولی بدهیم بدون ملاحظه مصرف خرجش مذاکراتی که جلسه قبل شد حالا اگر باید تکرار شود بنده زیاد می دانم خوب است دیگر آن مذاکرات تکرار شود و رأی بگیریم که تکلیف معلوم شود

حاج شیخ اسدالله - اگر چه بنده عرض دیگری نداشتم لکن باز متعلق بهمان عرایض است خوب است اینها بکمیسیون بودجه برود و بمفرمانند مذاکرات در این باب خیلی شده است خوب است پیشنهادهایی که در این باب شده است خواننده شود و بنده همین طوریکه آقای حاجی ابراهیم بنده دارند این مبلغ را زیاد می دانم پیشنهاد هائیکه در جلسه گذشته در این خصوص شد منعقد بود حالا اگر خواننده شود تکلیف معلوم می شود که با تصویب میشود یا رد می شود .

حاج شیخ الرئیس - بنده در جلسه گذشته عقیده خود را عرض کردم ولی حالا چون اعاده شد مذاکرات بناچارم باز اشاره بکنم بآنچه عرض کرده بودم بنده نظرم بيك نقطه است که اگر نمایندگان دیگر هم با من هم نظر باشند باید تصدیق کنند اگر این دیوان محاسبات و این اداره ای را که توقع تشکیل آن را داریم آن دیوان محاسباتی باشد که همه ملل و دول در سراسر تاحسب بيك هم وجود دیوان محاسباتی مناقصه و فوائد مملکتیشان میتوانیم بگیریم بنا بر اساس است که اگر مواجیبها و مقررها که برای آنها مقرر شده است بنده عرض نمیکنم که زیاد است و با کمال جدیت عرض میکنم که مواجیب را خیلی کم منظور کرده اند زیرا آن مناقصه که ما از آن دیوان محاسبات در نظر داریم و آن ذممانیکه ما از این دیوان محاسبات توقع داریم بنده تصویب میکنم و تصدیق میکنم همین ادهم که با حضور وزارت مالبه نوشته اند و کمیسیون هم آن نتراش را با کمال دقت کرده است و مقایسه کردن نمایندگان سایر ادارات را قیاس مع الفارق میدانم استماع میکنم که رأی بگیریم .

رئیس - بنده نیزیکه بعضی از نمایندگان اظهار میکنند مذاکره بقدر کفایت شده و باز برای پیشنهادها هم از طرف نمایندگان محترم در جلسه سابق شده بود و عده کافی نبود که رأی بگیریم بیبنیم آیا قابل توجه می شود یا نه این است که حالا خواننده میشود و بيکی یکی از آنها رأی گرفته میشود که بیبنیم آیا قابل توجه مجلس میشود یا نه .

نظر کرده است صحیح و کافی باشد .

[از طرف آقایان لواءالدوله و نیرالسلطان و آقا میرزا ابراهیم قمی پیشنهاد متجددالمالی قرائت شد که برای رئیس دیوان محاسبات در ماهی یکصد و بیست تومان تصویب نمایند]

لواءالدوله - تصور نشود که برای ادارات و وزارتخانهها آنقدری را که پیشنهاد کرده اند ابقاء خواهیم داشت این میزان را که بنده معین کرده ام میزان تعدیل است صد و بیست تومان را بنده کم نمایم و آنها هم که در وزارتخانهها حقوق گرفت میبرند بعد که بجای آمد کم خواهد شد مایه ما اقتضا نمی کند که اینقدر حقوق بآنها بدهیم .

فهییم الملک - بنده در قسمت نمایندگی خود عرض میکنم که رئیس دیوان محاسباتی که با صد و بیست تومان بیاید این وظایف و این تکالیف را در همه بگیرد بنده باز اظهار اعتماد نمیتوانم بکنم

وکیل التجار - پیشنهادها اینکه میشود در پیشنهادها که کمی و در تجزیه کرد خود پیشنهاد را رای بگیرد بعد اگر بابت تجزیه شود تجزیه میشود این پیشنهادها را باید بخواند و در قابل توجه بودن یا نبودنش رای بگیرد و آنرا تکلیف معلوم می شود .
فهییم الملک - اینطور بکنم فرمودند نیست زیرا که ما ماده را تجزیه کرده ایم و جزء بجزه های دیگریم حالا در خصوص رئیس است که پیشنهادها می کرده است و از آنجا که ما محترم هم پیشنهاد های میشود در آن خصوص مطلب را ختم میکنیم آنوقت دریم بر سر سایرین و الا بیکم تهره رای بگیریم تهره شود بیکم حقوق رئیس را زیاد میداند و بیکم میداند و چون یکی حقوق دیگری را زیاد میداند و حقوق دیگری را کم اینطور نمی توانیم رای بگیریم از روی رایورت که بیستون جزء جزه های میگیریم .

رئیس - آرزوی اینجاست مذاکره شد که این يك ماده مخصوص است حال در خصوص رئیس کمیسیون دوپست تومان پیشنهاد کرده است و آقای لواءالدوله صد و بیست تومان حالا به پیشنهاد آقای لواء الدوله رای میگیریم بیستم قابل توجه است یا خیر (مجدداً پیشنهاد آقای لواء الدوله قرائت شد)

رئیس - کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد)

(از طرف آقایان نیرالسلطان - آقا میرزا ابراهیم قمی - دکتر اسمعیل خان - کاشف - حاجی رضاخان - پیشنهاد شد که بر رئیس یکصد و پنجاه تومان داده شود)

رئیس - این چند نفر که پیشنهاد کرده اند صد و پنجاه تومان برای رئیس بیکم که رای داده شده معلوم است تا ما تصویب شده است بجهت اینکه همایش یکی است پس پیشنهاد آقای نیرالسلطان رای میگیریم .

کاشف - بطوریکه گفته شد این تصویب خرج نیست این ماده قانونی است و لازم نیست که تجزیه شود .

فهییم الملک - دلیلی که اول آقای کاشف

در پیشنهادشان بیان کردند برای این است که باورده لازم نیست رای گرفته شود بقیام و قعود هم میشود رای گرفت ولی تجزیه اش باین جهت خارج نی کند .

رئیس - رای میگیریم بر این پیشنهاد آقای نیرالسلطان که برای رئیس صد و پنجاه تومان پیشنهاد کرده اند کسانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد)

رئیس - حالا رای می گیریم بآن پیشنهادی که از طرف کمیسیون شده است باقیام و قعود کسانی که با پیشنهاد کمیسیون که دوپست تومان تصویب کرده موافقت قیام نمایند [تصویب نشد]

رئیس - آقای فهییم الملک تقاضا کرده اند که این ماده برگردد بکمیسیون .

رئیس - این بر میگردد بکمیسیون که تجدید نظری در این باب بشود .

آقای میرزا ابراهیم خان - آقای لواء الدوله برای رؤسای محاکم صد تومان پیشنهاد کرده اند .

بجهت - این با خرج است یا نیست اگر خرج نیست چرا جزء جزه های می گیریم اگر خرج است چرا با ورده رای نمیگیریم من جهت تجزیه کردن یک ماده را باقیام و قعود رای گرفتن را نمی دانم و این را یک چیز بود همی می بینم ملاحظه کنید بیست در صد عرض میکنم یا نه و اگر این خرج است پس باید باورده رای بگیریم ما تجزیه کرده ایم يك ماده را و يك تهره اش را اینجا داخل کردن و يك تهره اش را آنجا جهش را نمی دانم .

مهرز الملک - در اینکه این خرج نیست جای شك نیست این لایحه کمیسیون بودجه نیست این فقط يك ممبر است که از برای حقوق آنها معین میشود تا وقتی که جزء بودجه بیاید ممکن نیست پول شود و بعد آن حقوق در لایحه بودجه هم ساله باید بیاید .
بعجس رای در باب اینکه تجزیه شده است بجهت این است که در لایحه بودجه است ممکن نیست که يك تهره بنده رای گرفته شود این است که بجزه جزء رای گرفته می شود .

آقای میرزا ابراهیم خان - آقایان لواءالدوله و نیرالسلطان و آقای میرزا ابراهیم قمی پیشنهاد کرده اند برای رؤسای محاکم صد تومان معین شود .

رئیس - رای می گیریم بر پیشنهاد آقای نیرالسلطان که برای رؤسای محاکم صد تومان پیشنهاد کرده اند کسانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد)

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای حاجد کز رضا خان که برای رؤسای محاکم صد و بیست و پنج تومان پیشنهاد کرده اند کسانی که موافقت قیام نمایند [قابل توجه نشد]

رئیس - حالا رای می گیریم باصل ماده که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است که صد و پنجاه تومان برای رؤسای محاکم تصویب کرده اند .

ارباب کیخسرو - بنده عرض میکنم که تمام اینها باید بنسب یکدیگر باشد بعد از اینکه

شرایطی است که بطور خلاصه عرض شد و این شرط سیم را که ما اینجا اضافه کردیم که تقطع نظر آقایان این بود که اینجا حکماً قید شود عدم محکومیت بقتل و سرفتن و جنایت قرض این بود که آنها بصل آمده است و باید ملحق شود بآن ماده (۲۲) که در سابق بآن رای داده شده بود .

حاج شیخ الرئیس - بنده مناقشه منوی نداشتم لکن خواستم خدمتی بمالم الفاظ کرده باشم که انرا لااقل بنویسند .

دکتر علیخان - گویا مخالفی درین نباشد و بنده هم تأیید میکنم و در قانون استخدام البته این ملاحظات خواهد شد و عرض میکنم که همین ماده آخریکه گذشت آنهم راجع بقانون استخدام میشود باشد .

(اظهار شد که بدو جزء اولش رای گرفته نشده است)

فهییم الملک - فقط باین جزء سیم باید رای گرفته شود باول ماده رای گرفته شده است [گفته شد خیر رای گرفته نشده است]

فهییم الملک - این متعلق بماده (۲۴) بود چون در آنجا بی محل بود و مناسبتی با آن نداشت منضم باین ماده شد .

رئیس - اینجا در صورت مجلس می گوید که کمیسیون اعاده شد بملاوه يك مسئله هم هست که وقتیکه يك ماده که جنایات داده باشد و رای بآنها گرفته میشود بعد بکلیت هم رای گرفته میشود يك ماده هم در نظامنامه داخلی است حالا بطور می شود باصل این ماده رای گرفته شده است و حالا باین يك جزء رای میگیریم این را توضیح بفرمائید

فهییم الملک - ماده (۲۲) با آن دو شرط که ذکر شد رای داده شد و این پیشنهاد که شد مجدداً از طرف آقایان در ضمن ماده (۲۳) بود

و بنده همان روز مخصوصاً این مطلب را با آقایان عرض کردم که در ماده [۲۳] شرایط انتخاب شدن است بشرط و آن این است که این اشخاص انتخاب نشوند مگر آنکه از شغل اول استعفا بدهند ولی بعد اختیار دارد که از شغل اول استعفا بدهند یا از عضویت دیوان محاسبات و این را که اینجا ضمیمه کرده اند در اول گفتیم که راجع است بعدم مسیوقیت بقتل و سرفتن و جنایت این ماده ابدأ مربوط بآن نیست عرض کردم این ماده را ممکن است رای بدیم و بعد بطور ماده الحاقیه ملحق بشود ولی حالا ملاحظه بفرمائید این هیچ مربوط بآن ماده نیست که آنجا نوشته است حالا باید این رای بگیریم که يك جزء سیمی بشود از ماده (۲۲) حالا اگر تصویب شد میشود يك رای در کلیه ماده (۲۲) گرفت که يك رای راجع باشد باین يك جزء و رای دیگر را خیر راجع بکلیه ماده .

حاجی آقا - ماده (۲۲) راجع بسن رؤسای دیوان محاسبات بوده بنده هم همان طور که فرمودند تصور میکنم که گذشت یعنی قابل توجه شد و راجع بکمیسیون شد و البته آن پیشنهاد یکماده نبوده که ارجاع بشود بکمیسیون يك پیشنهادی شد که سن رؤسای

ادارات اعم از رئیس کل و سایرین سی سال باشد و آن قابل توجه شد و رفت بکمیسیون و سایر پیشنهاد های راجع باصلاح هم بر گشت بکمیسیون حالا فرض میکنم در کمیسیون تقطیع کردند آنرا از ماده (۲۳) و آنرا علیحده قرار داده اند که رئیس کل سن چهل سایر رؤسای محاکم سی سال این را باید رای بگیریم که این را این شکلی که از کمیسیون پیشنهاد شده است تصویب کنیم یا اینکه بآن طور بیک پیشنهاد قابل توجه شد .

ادارات اعم از رئیس کل و سایرین سی سال باشد و آن قابل توجه شد و رفت بکمیسیون و سایر پیشنهاد های راجع باصلاح هم بر گشت بکمیسیون حالا فرض میکنم در کمیسیون تقطیع کردند آنرا از ماده (۲۳) و آنرا علیحده قرار داده اند که رئیس کل سن چهل سایر رؤسای محاکم سی سال این را باید رای بگیریم که این را این شکلی که از کمیسیون پیشنهاد شده است تصویب کنیم یا اینکه بآن طور بیک پیشنهاد قابل توجه شد .

رئیس - رای میگیریم باین شکل چون آمده کرای گرفته شده مر کب بود از دو جزء حالا يك جزء اضافه شده است باین جزء هم رای میگیریم بنده ماده علیحده رای میگیریم مطابق نظامنامه داخلی پس حالا رای می گیریم باین جزء (مجدداً جزء سیم خوانده شد)

رئیس - رای میگیریم باین جزء کسانی که موافقت دارند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)

رئیس - ایندهم رای گرفته میشود بنده ماده (۲۲) (مجدداً تمام ماده ۲۲ با اصلاح افلا به لااقل قرائت شد)

حاجی آقا - بنده عرض کردم باز مکرر عرض میکنم که این ماده ای نیست که از کمیسیون بجای آمده این بود که سن رئیس کل چهل و سن سایرین سی سال باشد ولی در مجلس يك ماده پیشنهاد کرده اند که سن تمام رؤسای چهل و سن سایر رؤسای اجزاء همه سی سال باشد و آن قابل توجه شد و بر گشت بکمیسیون ولی کمیسیون عقیده اش درباره رئیس کل تغییر نکرد است حالا خوب است اول پیشنهاد کمیسیون رای بگیریم و بعد در آن پیشنهاد .

فهییم الملک - بنده تصور میکنم که این ماده را چنانچه آن هم در صورت مجلس گفتند رای داده شده است و صورت مجلس را گرفتیم و نشان دادم که رای داده شده است در این صورت استند میگویم که تکرار نفرمائید .

رئیس - رای میگیریم بنده ماده (۲۲) کسانی که موافقت قیام نمایند .

(با اکثریت تصویب شد)
ماده ۲۳ - که ارجاع بکمیسیون شده بود اینطور رایورت داده است که عین رایورت اولی کمیسیون ابقاء شده .
عین رایورت اولی - اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتیکه پس از قبول عضویت دیوان مزبور از شغل خود استعفا دهند (۱) کسانی که دارای شغل دولتی بوده و یا متصدی یکی از معاملات دولتی باشند ۲ - نمایندگان مجلس شورای ملی و ستار اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی .

آقای میرزا احمد - نسبت باعضای سنا و مجلس شورای ملی مخصوصاً مجلس شورای ملی بیعمل است و نوشتن در اینجا زیاد است .

حاج آقا - در قانون اساسی نوشته شده است که موظفاً نمیتوانند داخل شوند و ما دیدیم که خیلی از اعضای مجلس شورای ملی این ماده را دست آورز کردند و در خیلی از ادارات دولتی مشغول کار شدند و باید جلوگیری بشود که از اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا در ادارات هیچ نباید باشند از این جهت مخصوصاً باید اینجا قید شود که هیچوجه

نمی توانند داخل در ادارات دولتی بشوند و صاحب شغلی باشند .

رئیس - رای میگیریم بر این ماده (۲۳) کسانی که این ماده را بطوری که رایورت داده شده است تصویب میکنند قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)
ایضا کمیسیون رایورت داده است که (بعد از ماده ۳۰ این ماده اضافه شود) باین عبارت - درجات مؤاخذة را مجلس عمومی دیوان محاسبات در نظامنامه داخلی دیوان معین خواهد کرد این درجات از دفعه ثانی بیست مستلزم کسر مقداری از مقرری خواهد بود که بعد اقل آن يك سدس و حداکثر آن نصف مقرری مزبور باشد .

رئیس - این را بر ترتیب ماده علیحده پیشنهاد میکنند یا آنکه جزء ماده پیش است .

فهییم الملک - راجع بترتیب مؤاخذة و انفصال و غیره که در ماده (۳۰) ذکر شده و ماده (۳۱) که حقوق و اخذاتی دادماند رئیس کل مذاکره شد و بعضی پیشنهادها از طرف آقایان شد راجع باین قسمتی که نوشته اند راجع باینکه این ترتیب مؤاخذات را معین کنند و بنویسند و بعد تقاضا شد که آن پیشنهادها رجوع شود بکمیسیون و بآن ماده (۳۱) هم رای داده نشد که آن پیشنهادها را کمیسیون نظر کند و از روی ماده (۳۱) این يك ماده لازم بود در وسط اضافه شود این بود که این ماده اضافه شده است که یکساده علیحده باشد بین این دو ماده نه اینکه جزء ماده (۳۰) باشد .

حاج وکیل الرعایا - آقای مخبر بنده را مسیوق بفرمائید که این نصف و نلث و ربع که کسر میشود از حقوق سالیانه است یا سالیانه است .

فهییم الملک - از حقوق معاینه است .
افخجار الواعظین - این ماده الحاقیه نوشته درجات از دفعه ثانی بیست مستلزم کسر مقداری از مقرری خواهد بود - بنده نمیدانم اینجا چرا باید جزء قانون نوشته شو - این جزء نظامنامه داخلی است و قانون عمومی مستخدمین هر شکلی که صلاحیت میداند خواهد نوشت و جزء قانون دیوان محاسبات بودنش را بنده صحیح نمیدانم .

فهییم الملک - فرمایشی که آقای افخجار الواعظین فرمودند تصور میکنم که خودشان هم بودند در جزء آریانیکه در وقت خواندن ماده (۳۱) و (۳۰) بعضی مذاکرات شد که چرا اینجا قید نکرده اند که ترتیب مؤاخذة را مطابق ترتیبی که در نظامنامه معین خواهند کرد خواهد بود و برای همین هم بر گشت بکمیسیون حالا بالعکس او مفرمائید که چرا نوشته شده است پس میبایست که در مرتبه بعلافاً آن بکمیسیون رجوع شود .

بجهت - این ماده بنظر بنده باید دو جزء بشود یکی درجات مؤاخذة است و یکی هم از آنجائی که شروع میشود بجهت آنیکه برای آنها معین میشود عقیده بنده این است که این دو ماده است و دو جزء متصل است .

ارباب کیخسرو - اظهاراتی که آقای افخجار الواعظین فرمودند اگر رجوع بماده (۳۰) و (۳۱) مفرمودند رفع اشکالشان میشد که در آنها مؤاخذة را معین کرده است نهایت در آن روز ایراد شد که برای مؤاخذة باید یکدرجه قرار بدهند که تعیین

بشود این بود که بکمیسیون رجوع شود و بکمیسیون درجانش را معین کرده است .
حاجی سید ابراهیم - اینجا بابا بنوشت که درجات مؤخره راجع بنظام نامه داخله است و اینکه باید معین کرد این هم ارجاع کرده است و هم خودش معین کرده است با باینده معین کرده که مستازم کسر حقوق است یا باید نوشت که مطابق آنچه در نظامنامه داخله معین خواهند کرد .

حاجی و کیان الرعايا - بنده تصور میکنم که خیلی کار خوبی کرده اند که اقل و اکثر را معین کرده اند برای آنکه نمی شود اینقدر اعتبار داد به آنها که حد اقل و اکثر را بشناسند .
سلیمان میرزا - گمان میکنم که این ماده ماده جدیدی است که آمده بطوریکه نوشته اند و مطابق قانون باید که شور در آن بشود پس این شور ادلش را نباید رای بگیریم مثل سایر مواد و باید بگوئیم مذاکره کافی است و نهایتاً بیاید مجلس آنوقت رای بگیریم تعالوی ندارد یا ماده العاقبه یا ماده علیحدہ این باید در شور در آن بشود .

فہیم الملک - عرض میشود این یک چیزی نیست صحت مستقیماً العاق سہ باشد این از قبیل اصلاحاتی است که پیشنهاد میشود بکمیسیون و مجدداً می آورند و رای بگیرند از همان قبیل اصلاحاتی است که رجوع شده است بکمیسیون و حالا بر کشته است آیا هیچ گفته شده است که در اصلاحاتی که میشود باید دو شور شود .

سلیمان میرزا - بنده از مخبر کمیسیون استدعا میکنم که تصور فرمایند هر کس که مخبر کمیسیون آمد همان را ملزم باشند که بنویسند و میخواستیم سؤال بکنیم که این واقع میشود مابین (۳۰) و (۳۱) و بعد از آنکه چاپ میشود لابد یک نمره روی آن میکشند اگر در ذیل باشد صحیح است و اگر نمره (۳۱) و (۳۲) و (۳۳) بشود صحیح نیست و آن قانون باید مجری بشود و باید دو شور بشود شور اول مذاکره در آن گاهی بشود و شور دوم رای گرفته شود و این نظامنامه داخلی است و گویا هیچ جای اشکال نیست بنده یک خطاری کسردم وارو اینکه در اقلیت واقع باشم .
رئیس - اگر ماده جدیدی باشد هیئتطور است دو شور لازم دارد .

فہیم الملک - جواب قسمت اول شاهزاده را بنده عرض نمیکنم ولی در قسمت ثانی عرض میکنم که این شور عدم است برای اینکه در ضمن شور اول راجع باین مطلب پیشنهادها شد و اینکه میفرمایند این شور اول او است عرض میکنم اگر اصلاحاتی که شده است میفرمائید در او دو شور شود این مطلبی است ولی اصلاحات همیشه بر میگردد بکمیسیون چه در ضمن شور اول و چه در ضمن شور دوم بعد از آن مجلس رای میگیرد .

آقا میرزا اسد اللہ خان - بنده برای اینکه این ماده بگذرد و قانون دیوان محاسبات

برای این یک ماده تعطیل نشود تقاضای فوریت این ماده را میکنم .

رئیس - رای میگیریم باین ماده العاقبه کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد]
راپورت ثانی کمیسیون - ماده [۳۱] راپورت کمیسیون عیناً تصویب شد .

ماده [۳۱] - میبزی که در انجام امور کوتاهی مینمایند رئیس کل حق مؤخره را از آنها خواهد داشت و در صورت نکراد با حضور اولیای محاکم بازخواست خواهد شد .

کاشف - در این ماده سابقاً هم گفته شد یعنی بنده اینجا اظهار کردم که لفظ بازخواست هیچ معنی ندارد بازخواست می کند یعنی چه این را خوب است توضیح بکنند که چه خواهد بود .

بہجت - فرق مابین بازخواست و مؤخره را معلوم فرمائید در صورتی که تکرار کند بازخواست خواهد شد یعنی چه مؤخره همان بازخواست است

فہیم الملک - هر دو یکی است اولی را رئیس خودش تنها مؤخره می کند دومی را با حضور رؤساء .

رئیس - رای میگیریم بر این ماده [۳۱] کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد]

راپورت کمیسیون - این ماده بعد از ماده (۳۷) اضافه شود - مطابق ماده (۲۹) از پیشنهاد وزیر پس از وضع قانونی برای نصب صاحبان جمع دیوان محاسبات مرافق خواهد بود صاحبان جمع مطابق شرایط مقررہ تعیین شوند .

فہیم الملک - این را هم عرض کنم که فرمائید این پیشنهاد جدیدی است در این شور بعضی پیشنهادها شده بود راجع بخدمات صاحبان جمع ما میفرمائید و جوی وجه الصمان بگذارند کمیسیون بملاحظہ اینکه دید عجاننا اینکار ممکن نیست بموقع اجرا گذارند شود و قانون مفصل تری لازم دارد و همچو صلاح دانسته بود که این ماده حذف شود در شور اول گذشت و در شور دوم بجغوش رای ندادند و بعضی پیشنهادها شد که بماده ای نوشته شود که بعد از وضع قانون بمالیات موافق آن در حق اعضا عذر قرار شود این بود که آن پیشنهاد شد و قبل توجه شد و این راپورت را کمیسیون داده است .

کاشف - لفظ تعیین شوند غلط است باید تضمینات بدهند نوشته شود

فہیم الملک - تعیین شوند یعنی ضامن بدهند .

رئیس - رای میگیریم بر این ماده موافق راپورت کمیسیون که بعد از ماده (۳۷) اضافه شود کسانی که تصویب می کنند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد]

راپورت کمیسیون - ماده (۶۲) هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده و منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید

دیوان محاسبات می تواند بجز این تأخیر ادرام محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف مواجب و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد و نیز می تواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی اعزل دائمی او را از وزارت متبوعه اش بخواهد و هر گاه صاحب جمع مذکور مواجب و مدد معاش دولتی نداشته باشد در اول خدمت ملتزم میشود که در صورت تخلف از مقررات مواد (۶۰) و (۶۱) مبلغی که متجاوز از بانصد تومان نباشد بپردازد و تعیین این مبلغ را بنظر دیوان محاسبات واگذار می نماید این تہیئات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع بازم از ارائه حساب امتناع نماید بجمک دیوان محاسبات حساب صاحب جمع با تمام مدعی العموم مرتب در دیوان محاسبات تسلیم می شود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند هر نوع مخارجی که از اثبات حاصل شود بعهده صاحب جمع است .

حاجی شیخعلی - یک جمله در اینجا بود که بنده در شور اول عرض کردم و باز هم بحال خود باقی است و بنده نفہمیدم که این جمله موضوع چیست که نوشته شده هر گاه صاحب جمع مذکور مواجب و مدد معاش دولتی نداشته باشد بنده هر چه فکر کردم یک صاحب جمعی پیدا شود که جمع دولت باو بشود که مواجب و مدد معاش نداشته باشد و چه کسی خواهد بود نفہمیدم ممکن نیست که در ادارای باشد و از باب این جمعی که باومی دهند از آن باب مدد معاش نداشته باشد مثل اینکه تمبری بدهند بیک کار گذاری و از این جهت که تمبر با اوست آن کار گذاری در اداره وزارت خانه مثلا مدد معاش و گذران نداشته باشد ولی هیچ دیده نشده است که کسی جمع دولتی با او باشد و صاحب جمع شده باشد بهیچ وجه مدد معاش نداشته باشد پس خوب است که صحت این جا مدد معاش دولتی می نویسند در صورتی که مدد معاش دولتی نداشته باشد از هر راهی که باو میرسد از همان راه کسر می شود و نباید در قانون نوشت که یک صاحب جمعی نباید مستخدم بشود و بهیچوجه مواجب نداشته باشد پس چنین آدمی که مستخدم باشد و مدد معاش نداشته باشد مواجب هم نداشته باشد بطور مشغول خدمات د لتی خواهد بود .

فہیم الملک - بنده در خاطر ندارم که حضرتعالی در این ماده ابرادی کرده باشید عود بکمیسیون راجع بآن ترتیب التزام شرعی بود قبل از رجوع بکمیسیون ذکر شده بود که اگر مواجب و مدد معاش نداشته باشد نظر باین بود که اگر در یک جائی مأمور دولتی باشد و یک مأموریتی هم از طرف وزارتعالیه بآنها رجوع شود بمسائلت اینکه خواشان در خدمت دولت هستند و اینکارشان همیشه کار اولیاست باین جهت حقوقی بآنها داده نمی شود که جریمه بگیرند ولی بآنوروی آقای حاج امام جمعه فرمودند آن مطلب تا یک اندازه شرعی نبود می بایستی قبل از وقت بآن مبلغی که در صورت تخلف محکوم می شود ملتزم شده باشند این بود که

که کمیسیون در موقع تجدید نظر او را تعیین داد که وقتی که حساب را ندادند و موقع معین مطابق ماده ۶۰ و ۶۱ منقضی شد باید حقوق دولتی او کسر شود یا اینکه در صورت نداشتن حقوق دولتی بر حسب التزام مبلغی که متجاوز از بانصد تومان نباشد بپردازد اما اینکه از جهت این خدمت باشد یا خدمت دیگر حالا می فرمائید که بطور می شود که یک شخصی بیاید صاحب جمع یا مستخدم دولت بشود و حقوق دولتی نداشته باشد در یک محلی فرض فرمائید در شیراز و سوزوار یک صاحب جمعی یک پولی می خواهد بدهد بدولت و یک صاحب جمعی هم ندارند آنوقت بیک تجاری یک حواله میخواهند بدهند هیچ لازم نیست که یک نفر مأمور مالیه آنجا بگذارند اداره مالیه فرامی گذارد با یک نفر تاجر که آن پول را آنجا بگیرد و اینجا بحواله دولت بپردازد چون حوالجاتشان در آن محل یک طوری است که داد و ستد زیاد ندارند و در یک محلی که اهمیت قون الماده نداشته باشد یک شخص تجاری در آنجا یا یک نفر از اهل محل متعهد می شود که حقوق دولتی را باو بپردازد و در جوی که از این باب بار عاید دارد دولت درم کرد دریافت دارد و مسلم است اینطور اشخاص می خواهند حتی الامکان داخل معاملات دولت باشند و مدد معاش ندارند بلکه حساب جاری با دولت پیدا می کنند و ممکن است یک وقت خرابی از آنها طلبکار باشد و ممکن است که آنها از خزانه وقت بدهند که اگر حسابشانرا ندادند یک وجهی بوجوب این التزام بدولت بدهند این فقط نسبت باین قسمت از اشخاص نوشته شده است ولی دانید که صحت این قبیل اشخاص کم خواهد بود دست وزارت مالیه و دیوان محاسبات باز است که اشخاصی که در خدمت هستند اعم از اینکه مأمور مالیه باشند یا نباشند وقتی که تخلف کرد بالطبع از حقوق آنها کسر خواهد شد و اگر در تمام ایران صدها یا ہزار نفر پیدا شد که حقوق دولتی نداشته باشند بآن شکل ملتزم خواهد شد و بآن شکلی که التزام می دهند قبل از وقت از عهده برمی آیند .

آقا محمد میر و جردی - فقط در این عبارت که دیوان محاسبات بجز این تأخیر او را به یک جزای نقدی محکوم نماید مقصود رئیس است آنهم به اتفاق یا با اکثریت .

فہیم الملک - ترتیب آن مسئله اولیه در مواد راجع بحسابهاشان که طلبکار باشند یا بدهکار باشند در جای خودش ذکر شد .

آقا سید حسن مدرس - یک مصداق از یک کلی در اینجا ذکر فرمادند بواسطه استعلام مطلب عرض میکنم که جزای نقدی درست نیست دروغ است کمیسیونها و غیر کمیسیونها ملتزم باشند که جزای نقدی دروغ است و با عامل مفت ملتزم هم بود چیزی بگردش نیست آن کسیکه عامل مفت را می گیرد خوش باید تضمین بکند آن کسر که بعوض خدمت میکند ممکن است ملتزمش کرد یا عزلش کرد لکن آن کسی می آید که مجاناً کاری را برای شما صورت بدهد و بعد صورت نداد حالا که

تعداد هزار تومان باید بدهد این دروغ است و بیجا است یعنی موافق قوانین مذمومی بهیچ قسم نمیشود محکوم کرد او را لهذا اگر قرار بگذارند که اگر خیانت کرد یک خدمت گذاری ابداً مواجب یا ندهند یا ابداً مزولش کنند یعنی آن مواجبی که قرار داده اند لکن آنکه مجاناً آمده قبول یک خدمتی را کرده و ملتزم شده اگر خیانت کرد جریمه بدهد این درست نیست ولو ملتزم بشود بصیغہ التزام و کلیتہ این مطلب باید در اذهان باشد که جزای نقدی بهیچوجه من الوجوه قابل صحت نیست مگر اینکه از آن مواجبی که قرار میدهند کسر بکنند که اگر ده سال خدمت کرد و آن آخر ده سال یک خیانت کرد آن آخر ده سال حقوق ده ساله اش را قرار بدهند این میشود .

حاج سید ابراهیم - اولاً یک جوابی از آقای حاجی شیخ علی می خواهم بدهم و یک مثلی میزنم بیک مطلبی که ما الان مبتلای به آن هستیم کیمانی خالصه الان صاحب جمع است و این یکی از صاحب جمع های دولتی است که هیچ مدد معاش و مواجب ندارد و ہمین جهت عرض میکنم که این قید را که مبلغی متجاوز از بانصد تومان نباشد بپردازد باید برداشت بجهت اینکه کیمانی خالصجات صورت جمع نمیدهد و ده هزار تومن مال دولت را هم خورده است این اہمیتی ندارد پس این قید را صحت از بانصد تومان متجاوز نباشد باید انداخت و باید که بسته بنظر دیوان محاسبات باشد و اما اینکه آقا فرمودند عقیدہ بنده چون در این بود که اینها ترتیبات اداری و امور عرفی است و نباید ملاحظہ کرد کہ شرع در اینجا معین کرده است و گفت کہ حد شرعی در اینجا چه چیز است از این جهت اظهار عقیدہ در اینجا نمیکنم و اگر بنا شود کہ شرعی باشد البته نظر ایشان صحیح است و باید این ملاحظہ را کرد ولی این قید بانصد تومان زیاد است و باید این را راجع کرد بترتیب اداری و عرفی بجهت اینکه بین مثل سایر ترتیبات دیگرشان است و راجع بنظامنامه داخلی مثل اینکه یک ساعت بفریب مانده زنک بزنند تا مرخص شوند اینهم امورات عرفی و اداری است جزای نقدی هم گمان میکنم کہ امور اداری است کہ خود رئیس آنها قرار میدهند یا خود دیوان محاسبات این حدود را برای عمل اداری قرار میدهند چون صاحبان جمع هم البته از مستخدمین مالیه هستند سایر مستخدمین وزارت مالیه البته برای تخلف اینها از آن دستور العمل معامله یا نظامنامه یک حدودی لازم است کہ وزارت مالیه بدستان میدهد کہ اسمش مجاز است معامله است این یک قسمت از نظامنامه داخلی است کہ یک حدودی برای آنها قرار بدهد کہ از آن حدود تخلف نکنند و جلوگیری از تفریط مال دولت بشود و این داخلی بعدد شرعی ندارد .

حاجی شیخ اسد اللہ - در این مطلب کاملاً بنده تصدیق فرمایش آقا را دارم و بیانات آقای حاجی سید ابراهیم را رد نمیکنم در این موضوع داخل مذاکره نمیشود بجهت اینکه کاملاً بیان فرمودند کہ دیگر محتاج بیان ثانوی نیست لکن اشکال دیگری بنظر آمد و آن این است

افتخار الواعظین - بنده عرض میکنم برای رفع اشتباه آقای وکیل التجار کہ آن صرافانی ہم کہ بول دولت بیش آنها جمع می شود کہ بشکار

کہ در اینجا می نویسند کہ اگر چنانچه صاحب جمع حساب خود را در مرتب اول وثانی بدهد مدعی العموم حساب او را مرتب کرده بدیوان محاسبات بدهد در صورتیکہ صاحب جمع بهیچوجه صورت حساب نداد بنده میخواستم بدانم از روی چه میزانی و از روی چه ترتیب مدعی العموم حساب او را مرتب میکنند و بحساب رسیدگی میکنند .

فہیم الملک - آقای حاج سید ابراهیم نشیبه کردند صاحب جمع را بہ مستاجر خالصجات بآنکہ مستاجر بہ کلی مابایت دارد با مباشر مالیه آنها یک قراردادی دارند و یک اجاره دارند کہ آن هیچ مربوط بعمل صاحب جمع نیست چون در عمل مباشرین مالیه معمول است کہ یک مباشری را میفرستند بیک نقطه لکن یک مواجیبی برای او قرار نمیگذارند این یک مواجب معینی ندارد و ممکن است صد تومان وصول کند ببنجام تومان بگیرد ممکن است هزار تومان وصول کند بازم پنجاه تومان بگیرد یک میزان معینی نیست کہ از روی آن بتوانند قرار بدهند کہ از چه میزانی حواله گرفت بیک فراری نمیکشند ولی معین نیست ممکن است صدی پنج بگیرد برای خودش ممکن است چیزی نگیرد و اما راجع بفرمایش آقای حاج شیخ اسد اللہ چون فرمودند مدعی العموم حساب صاحب جمع را مرتب میکنند و دیوان محاسبات می دهد یا آنکہ صاحب جمع صورت بدیوان محاسبات ندادہ در محاسبات مالیه صورت حساب را کلیتاً دارد و زیرا کہ هیچ خرجی بدون تصویب دیوان محاسبات نخواهد شد صورت در محاسبات وزارت مالیه هست از روی دفتر مالیه یعنی از روی دفتر کلی کہ کلیه مخارج مصوبہ در آنجا خواهد بود اگر صاحب جمع صورت ندادہ چون از نظر دیوان محاسبات باید حواله های او بگذرد تا برسد بوزارت مالیه پس صورت حسابهای آنها در وزارت مالیه خواهد بود هر وقت در دادن حساب بموجب افتاد مدعی العموم میروند بوزارت مالیه صورت حساب آنرا میخواهد و اگر این ترتیب ضرری دارد برای مباشر تقصیر خود او است کہ کوتاهی کرده است در دادن حساب خودش .

وکیل التجار - بنده گمان میکنم کہ نباید ما اینقدر مذاکره کنیم در یک عبارتی کہ از روی سہرو نسیان نوشته است اصل صاحب جمع عبارت از یک شخصی است کہ یک مقداری مالیات دولت را وصول و جمع میکند و در مقابل یک حقوقی هم میگیرد اینهم مسلم است کہ بدون مواجب نیست اگر میگویند جمع دیگری میشود آن صراف است دخلی بہ مباشر دولتی ندارد اگر یک صرافانی هست کہ مالیات دولت جمع او بشود و مباشرت در معاملات دولتی نکنند او آن صاحب جمعی کہ مقصود دیوان محاسبات است نیست یا مستاجر باز آن چیزیکہ مقصود ما از لفظ صاحب جمع آن کسی است کہ یک مقداری مالیات نزد او جمع میشود حالا آن یک عبارتی است آنجا نوشته شده است لازم نیست اینقدر وقت کنند .

(دورہ آمدند)
افتخار الواعظین - بنده عرض میکنم

مالیه مثلا در مرکز ایالت بولایات می‌سازد که مباشرین ولایات پول بفرستند بر کز ایالت پیش فلان صرافیکه در مرکز ایالت است و حوالجاتیکه داده می‌شود ازم یکی از صاحب جمع‌هاست بجهت اینکه مثلا با پیشکار مالیه خراسان در مشهد قرار می‌گذارد باینکه از صرافهای بزرگ که مأمورین مالیه اطراف خراسان پولها را پیش او بفرستند و حواله هم به او داده می‌شود پس او صاحب جمع است و لکن مواجب و حقوقی هم از این کار باو داده می‌شود بلکه فایده که از اینکار برای او هست همان فایده صرافی است و بنده می‌خواستم اینجای عرض کنم که فرمایش آقا در تصدیق دارد که کسی بخواهد مجازاً خدمتی را برای دولت انجام دهد نمی‌توان باو گفت که پس از تلفش ما باید محکوم بیک جزای نقدی هم بوییم حتی فرمودند در صورت التزام و تمهید هم نباید چیزی بدهند بنده عرض می‌کنم اما صاحب جمع‌هایی که از طرف دولت مواجب و حقوق دارند اگر در دفعه اول از حساب از دادن حساب خودشان یک تخلفی میکنند فرمودند از حقوقی که با آنها داده شود به آنها نخواهند داد یا آنکه حقوقی که به آنها داده شده است پس خواهند گرفت ولی برای کسانی که فقط بهمان قناعت می‌کنند که صاحب جمع دولت می‌شوند و یک مواجب مخصوص باذاه این عمل از دولت نمیگیرند عرض می‌کنم صحیح است و تصدیق می‌کنم که نمی‌شود از آنها جزای نقدی گرفت ولی بهر شکلی از اشکال که هست برای آنها باید جزای فرار بدهیم والا آنها اگر بدانند که صاحب جمع دولت واقع میشوند و قریب چهار صد هزار تومان پول دولت پیش او می‌آید و باو بدهند در صورتیکه حساب از او بخواهند ممکن است که اموال و این ماه و آن ماه بکنند و بدفع الوقت به گذرانند و صورت حساب ندهند و چون مواجب نداشته محکوم بجزای هم نخواهد شد و اگر بدانند بعضی از صاحبان جمع این مسئله را بنده عرض می‌کنم که خیلی احتمال می‌دهم که ممکن است که مالیه دولت که جمع آنها شده است نقش از میان می‌رود و عرض می‌کنم بهر شکلی از اشکال که مطابق با شرع مطهر هم باشد باید برای آنها یک مجازاتی فرار داد برای مصون بودن مالیه دولت و برای آنکه بیت‌المال و مال دولت از میان نرود .

حاجی آقا بنده - اگر چه همان وقت اذن خواستم و نمی‌دانم چه شد و لو در این نمره مواد خواهم می‌کنم از آقای مخیر که چون بنده هم عضو کمیسیون هستم به بنده واگذار کنند که تا بآن ترتیبی که در کمیسیون گذشته بود و نظر اعضا مطابق ترتیبات شرعی است بیانش را بکنم تا اینکه اسباب اشتباه نشود بنده تصدیق می‌کنم نظریات آقای حاج امام جمعه و آقای آقا سید حسن مدرس صحیح می‌فرمایند در مقابل عمل بلا اجرت چیزی نمیشود گرفت اگر عمل صرف جانی و صرف احسان باشد البته کسی نمیتواند از او یک جریمه ببرد که چنانچه این کار زانکرده فرض از میخواست لطفاً یک کاری را برای من انجام بدهد بعد که بنده یک جریمه بگیرم که چرا برای من اینکار را انجام نداد ولی تمام امور و موارد این طور نیست که من باب احسان باشد تا از آن ملامت شرعی تابش بیایم چه بسا اعمالی که در مقابل اقدام بآن یک چیزی باو میدهند بواسطه اینکه در نظر عقلا و نظر عرف ممکن است در مقابل اقدام بآن عمل و متکفل بودن آن عمل حردش یک مانا از او داشته باشد که در نظر عقلا خیلی هدیت دارد که تمهید فرمودند آقای حاجی امام جمعه باینکه یک شرافتی فرض کنند اگر عمل همچو عملی باشد که نه صرف احسان باشد من باب آن نظری که در در عرف عقلا می‌شود یک جزایی باید برایش داد که علاوه بر اینکه یک جزایی برای او فرار داد می‌توان در مقابلش یک چیزی هم چون فلان شخص

حاج امام جمعه - آقای افتخار الواعظین

همچو مطالب را تخمین کرد که آدم همچو تصور میکند که اگر این مطلب نوشته شده بود مالیات دولت بکلی زمین خواهد خورد و ابداً این طور نیست اشخاصی که تصدیق امور دولتی میشوند در صورتی که هیچ کس در آنجا کارمندی نمی‌کند یا باین مواجب بگیرد و در مقابل آن مواجب کار بکند یا باین مثل آقایان سابق یک لسی از دولت رویش بگذارند و برود مردم را بچنانچه قسم سببی هم ممکن است آن روز هم آقای مخیر گفت خیلی کم یک نفر بیایم می‌شود که بیاید بعضی شرافت خدمت دولت را بدهد بگیرد و یک کاری را مستقلاً و منصدی شود این را باید ملتفت شد که این آقا ما بین صاحب جمع و صراف فرق نکند صراف با صاحب جمع خیلی تفاوت دارد صاحب جمع کسی است که

که مستقلاً اینکار است می‌توان چیزی از او گرفت و اینکار را باو داد مثلا نمایندگی ملت یک کار است که باینکه زحمت دارد ممکن است که در مقابل تقلا این امر خطیر یک چیزی هم معض افتخار بدهد و چیزی هم نگیرد پس اعمال همه اش صرف همان معض احسان نیست و ممکن است یک چنین عملی باشد که یک ما با ذاتی در نظر عقلا داشته باشد آن وقت همانطور که اجرت دارد می‌توانیم تقصیر کنیم از اجرتش و در مقامیکه اجرت نداشته باشد ما می‌توانیم خصوص در این ایام و در این ملامت خیلی اتفاق می‌افتد که شاید مستخدم دولت می‌شوند لکن نه از این جهت از جهت دیگر مستخدم دولت هستند و از این جهت مواجب ندارند آنوقت دولت اگر یک جزایی برای آنها فرار داد من حالا حکماً نمیگویم باید چرا و اینطور فرار داد ولی مدافعه می‌کنم از این جهت که راجع بفرود هست چون بنده خودم در کمیسیون بودم ملتفت جهت شرعیه آنهم بودم ممکن است این کسیکه متقبل می‌شود این خدمت را ملتفت شود شرعاً و یک التزامی اراد بگیرند باین طریق که من این عمل را اقدام می‌کنم و اگر این عمل در مقابل طریق انجام ندهم ملامت دادنی باشم و هیچ منافات هم با هیچکدام از املای شرعی ما ندارد و بسوازه این که این ملامت هم در مقابلش یک ملامت بزرگی است بواسطه این که عمل یک ملامت بزرگی است و در هر طرف عمل اهمیت دارد و این است که یک چیزی در مقابلش بشمارند و این با هر کس باشد فرق نمی‌کند مخصوص عمل دولتی هم لایم نیست باشد یک ناسجری عمل خودش را بدینگری و ازار می‌کند و میگوید اگر بفلان شرط و فلان شرط عمل نکردی من فلان قدر از تو میگیرم و اگر فلان شرط را عمل کردی باعث یک اقتضای و شرفی باشد که در مقابل آن در نظر عرف عقلا یک ما با ذاتی قرار می‌دهند و یک اهمیتی میدهند بجهت اینکه خودش فایده یک همان افتخاری که حاصل میشود در ضمن آن باو می‌گیرند تا که به فلان ماده در فلان ماده عمل نکردی فلان مبلغ را دادنی باشی و از جهت مبلغ هم هیچ مطلبی نیست از جهت اینکه واگذار میشود بنظر یک شخص مین و بوجهات شرعیه اش هیچ تلمه میرساند و لازم نیست مجازاتی بگویی باشد مجازات خدمتی باشد آن بسته بنظر مجلس باشد ولی هدین قدر خواستم جلب کنم نظر آقایان را که از این جهت مخالفتی با جهات شرعیه از این راه ندارد .

آقای مخیر - بنده اینجا تأیید

می‌کنم فرمایش این دو عضو محترم را که فرمودند جزای نقدی در شرع مقدس مانعوان ندارد و البته بر ما هم فرض است که یک همچو موضوعی را موضوع مذکره فرار ندهیم و یک همچو مطلبی را با انواع و اقسام مختلف نخواستیم باشیم ولی از جهت دیگر ملاحظه میشود که کار ما باین دولت یعنی ثروت مملکت یک کار کوچکی نیست و همچو بی‌اهمیت هم نیست که هر کسی بتوانیم رجوع بکنیم و لا بشرط بهر کسی تسلیم بکنیم بلکه باید به بنیم در سایر اقطار عالم از برای حفظ این مناسبت چه کرده اند این قانون دیوان محاسبات که قریب اختتام است و از این مجلس مقدس خواهد گذشت و شاهنشاهی با تمام اولیاء عظام صورت خارجی هم پیدا خواهد کرد این مواد و اصولی

است که در ضمن بکار بردن آن مواد مای خواهد مالیه مملکت خودمان را که تابعال دچار هزار گونه اشکالات بوده است نجات بدهیم و تمام این احتیاطاتی را که می‌کنیم و این سختی‌هایی را که بپوشانیم می‌کنیم که فلان قدر جریمه بدهد و فلاقت جزای نقدی بدهد هیچ کسی تصدی ندارد بجز حفظ ثروت عمومی خاطر می‌آید و قوی که در شود اول آن مواد این مطلب بیان آمد و بعضی تخصیصات بدهد بصاحبان جمع در ذکر این بعضی از نمایندگان محترم گفتند که دادن این اختصاصات ممکن است بعضی اشخاصی که دارای علم و اطلاع هستند معروم بدانند از یک چنین خدمتی ولی ملاحظه نمی‌کنند که خدمت منحصر بصاحب جمعی مالیه نیست و اشخاصی هم که حساب نقد و حوض با اختیار آنها را گذاریم شود آنها از علماء و فضلاء قوم نیستند و نباید هم باشند یعنی مواجبتصاصی هم ندارند فقط هر یک حسابی بدانند ممکن است مالیه را باو سپرد ما باید به بنیم در سایر جاهای دیگر چه کرده اند و بجهت ترتیب رفتار کرده اند آنچه دیده شده در تمام عالم هیچ شرطی بجز گرفتن ضامن معتبر و تسلیم کردن یک وجه معتبر باسم وجه الضمانه هیچ تضمینی بصاحب جمع نمیکنند و هیچوقت خودشان را از برای آینه دچار محظورات نکرده اند که اگر این صاحب جمع پنج تومان را نداد با او چه معامله باید بکنیم بیش از وقت سه تمام اواب فساد را کرده اند و یک فراری گذارده اند که هر کس می‌خواهد داخل کار شود تکلیف خودش را بداند هم اشخاصیکه می‌خواهند صاحب جمع دولت بشوند بدانند که بچه ترتیب می‌توانند صاحب جمع بشوند و هم اینکه مالیه مملکت چطور صاحب جمعی باید اختیار کنند صاحب جمع نیست با اهمیت اواب جمعی خودش باید شخصاً اختیار داشته باشد یا باید یک وجه معتبر به بندوق مالیه بنوان وجه الضمانه تسلیم نماید اینست که موافق این مذاکرات بنده یک پیشنهادی می‌کنم اگر پیشنهاد شده که یکی از این مواد خواهد بود .

آقای سید حسن مدرس - مطلب اگر چه

آقادهها قابلیت نداشت لکن کم کم قابلیت پیدا کرد شرف در بازار قیمت ندارد شرف کتک دارد یعنی اگر کسی شرف کم را برد باید آنکس زودتر قیمت بپردازد که اگر کسی شرف کسی را برد یک تومان دو تومان ده هزار تومان بدهد دروغ است همین منشاء شده است که آقا هم فرمودند که پول میدهند که افتخار بیایند یک خدمتی را بکنند بجهت شرافت این قیمت شرف نیست که میدهند فرمودند تحصیل شرف می‌کنند حرایب اینست که شرفش را بگیرند بعد از این مستخدمش نکنند امری را در رجوع نکنند تا فلانی این شرفی که تحصیل کرده است بیرون بیاید و اما مسئله را که آقای حاج سید ابراهیم گفتند که مسئله ادوات دولتی و امورات عرفی است صحیح است ولی فرق است میان موافقت با شرع و عدم مخالفت آن نکته قانون اساسی گفت مخالفت با شرع نداشته باشد فرمودند موافق با شرع باشد یعنی در کتاب وسنت نیست که یک اداره برپا شود باید مشتعل بر سنبلتی یا پرده پامیز باشد و اول رنگ بزنند اینها داخلی بود ازین شرعیه ندارد الا آنکه هر اداره که بر

یامی شود ولو کمیسیون اهل قمار اگر کمیسیون بیرون یا بشود که در آن بحث بکنند که قمار باها چه باید بکنند و چطور باید مجازات درمیان آنها باشد باید آنچه قرارداد شده می‌شود مخالف با شرع نباشد این قانون دیوان محاسبات که خوانده می‌شود اگر یک چیزش مخالف با شرع بود ما اینجا حرف می‌زدیم میگفتیم این فقره اش را هم چنین باید کرد هر جا به بنیم مخالفتی را هر چه باشد می‌خواهیم گفت اداره دولتی باشد ملتی باشد هر چه باشد موافقت نمی‌خواهد باید همین قدر مخالفت نداشته باشد آقای وزیر همه را نشنیدند ترتیبی در کار هایشان در اداراتشان دادند البته کار هایشان خوب است بجهت آنکه مخالفت با شرع ندارد اگر مستخدمی ملتزم هم شد که مخالفت نکند قسم قرآن هم خورد که مخالفت نکند و در آخر سال خیانت کرد حقوق ده ساله اش را باو ندهند صحیح است خدمت باو رجوع نکنند صحیح است اما اگر یکی قرارداد اختیار آشفراً مشغول خدمت شد بعد حال من مال خود را از او می‌گیرم و بسلاوه مال خودم دیگر حقی بر او ندارم .

حاج سید ابراهیم - در این مسئله که

بنده عرض کردم و مثال زدم خود آقا فرمودند که این مجازات نقدی صحیح نیست برای آنکه حق العمل برای او همین نکرده در سال چقدر است صد یک است یا صد دو است و معلوم نشد که مخالف با شرع باشد ولو حدش مجبور است آنها مخالف نیست موافق نباشد معلوم نیست مخالف باشد

حاجی وکیل الزعایا - بنده درو بیکه

اجازه خواستم بآن طوریکه لازم می‌دانم قسمت های عمده اش را درست بیان کردند لکن این جزای نقدی را که اینجا نوشته اند اگر یک موضوعی برایش پیدا کنند که یک چنین چیزی وجود خارجی دارد از کجا و کجا خواهند گرفت و بدینهم یک وجود خارجی پیدا بکنند این چنین چیزی هیچ موجود نیست هیچ کسی نیست که بی حقوق کار بکند و هر کس هم گفت من بیلا عوض کار می‌کنم اول دروغ گو است .

رئیس - مذاکره در این باب بقدر کفایت شد

از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم خان یک پیشنهادی شده است خواننده میشود . پیشنهاد مزبور قرائت شد مشر بر اینکه این ماده رجوع شود بکمیسیون .

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - پس رجوع می‌کنم بکمیسیون که نظریات آقایان هم معلوم بشود و به مجلس بر گردد .

(ماده ۶۲ رجوع شد بکمیسیون)

رایبورت کمیسیون ماده ۶۹ بحذف لفظ فقط تصویب شد .

رئیس - رای بگیریم کسانی که با این ماده بطوریکه رایبورت داده شد است بحذف لفظ فقط قیام نمایند (با کثرت تصویب شد)

ماده ۷۰ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود

اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت آن کار را نداشته و یا آنکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول معاکات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه این تقاضا بپس مجلس شورای دولتی پیشنهاد میشود و حکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ می‌شود تا زمانی که مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای نقض بمجلس وزراء پیشنهاد می‌شود تا اگر آن را قابل توجه بدانند مراتب را بدیوان تمیز پیشنهاد کنند و حکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ میشود

فهییم الملک - این جمله باید حذف شود

تا زمانی که مجلس شورای دولتی تشکیل شده است لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد میشود و عبارت لایحه تقاضای نقض بمجلس وزراء تقدیم می‌شود تا اگر آن را قابل توجه بدانند مراتب را بدیوان تمیز تقدیم کنند .

حاج سید ابراهیم در این ماده مذکور شد

آرروز در کشت بکمیسیون بجهت اینکه آن حکم بدیوان تمیز ارجاع نداشت که در باب صاحب جمع ها و لوفتس باشد بدیوان تمیز ارجاع کند حالا ما می‌بینیم که اینجا نوشته است که مراتب را بدیوان تمیز ارجاع بکنند این را خوب است توضیح بکنید که مراد چیست .

فهییم الملک - اگر در خاطر حضرتعالی

باشد خیلی مذاکرات در مجلس شد در باب آنکه دیوان محاسبات را باید مجلس شورای ملی نقض کند یا خیر اگر چه نقض احکام صادر از محاکم اداری راجع بمجلس شورای دولتی است و شورای دولتی یکی از محاکم عالی اداری محسوب می‌شود نه محاکم قضائی لهذا اداره شورای دولتی یک محکمه عالی که حق نقض و ابرام سایر محاکم اداری را دارد مثل اینکه دیوان محاسبات نسبت به حاکمی که در مقامات برای رسیدگی محاسبه معین می‌شود حکم محکمه استیفاء دارد و حالا چون شورای دولتی ترتیب پیدا نکرده است در رایبورت اول مذاکرات شد که در مجلس نمی‌توان اصلاح بشود و اکثریت مجلس موافق بود این بود که کمیسیون هم عجاتاً این طور تصویب کرد که تا وقتی

رئیس - ماده ۷۰ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی

است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و یا مرجعیت آنکار را نداشته و یا اینکه قانون را از روی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول معاکات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه

ماده ۷۰ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی

است که ادعا شود بر اینکه دیوان محاسبات از حدود

این تقاضا به مجلس شورای دولتی تقدیم و محکم مجلس شورای
مجلس شورای دولتی به بدو ان محاسبات تبلیغ میشود
تا زمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه
تقاضای تقدیم بدو ان تمیز پیشهاد می شود و محکم دیوان
مزبور بتوسط وزارت مالیه بدو ان محاسبات تبلیغ می شود
فهیوم الملك - معذرت که در این روز رادیو ان نیز
بویستد .

رئیس - رای می گیریم باین ماده کسانیکه
موافقند قیام نمایند .
(رایورت که بیست و نه ماده . . . عیناً تصویب شده .)

حاجی سید ابراهیم - در آن وقت این
لفظ رئیس گویا رئیس کل بود زیرا که نوشته است
رئیس و مستشاران صورت را نوشته بامضای رئیس
میرسانند خودش که بامضای خودش میرسانند اینجا
نوشته است نتیجه راجع به بزرگ از فقرات حساب را
در حاشیه رایورت قید کرده پس از آن حکم کلی
در ذیل رایورت صادر بامضای رئیس و مستشاران
می رساند .

فهیوم الملك - اینجا میرساند را میرسد بکنید
کاسبان اشتباه نشود .

رئیس - رای می گیریم بر ماده صدم کسانیکه
تصویب میکنند باین ترتیب قیام نمایند (با اکثریت
تصویب شد) .

رئیس - آقای ادیب التجار روز سه شنبه يك
سوالی کردند از وزیر معتمد در امران و قرار شد
که روز پنجشنبه تشریف بیاورند و جواب بدهند
روز پنجشنبه هم مانند برای امروز و حالا گویا تشریف
آورده اند که جواب بدهند پس خوب است آقای
ادیب التجار سوال خودشان را دو مرتبه بفرمایند
تا اینکه جواب بدهند .

ادیب التجار - سوال بنده همان است که در
آن روز يك تفصیلی خدمت آقایان وزراء عرض
کردم که امران امروزه کمال اهمیت را دارند و فرد
فرد وزراء را مردم مسئول تمینات شخصی وزیر
دیگری می دانند یعنی که هم شان اگر چه مسئول هستند
در کار های شخصی راجع بخودشان لیکن هم شان
ضمانت کارهای یکدیگر را دارند یعنی بنده هر چه
بفرمایم لهذا سوال میکنم از آقایان وزراء که
اقدامات خودشان را در باب امران بطوریکه اسباب
آسودگی مردم اطمینان مجلس شورای ملی شود
در اینجا بیان بفرمایند تا اینکه مجلس شورای ملی
مسبوق و مطمئن بشود .

وزیر امور خارجه - در مسئله نان در این
سه چهار روز به علاوه اقداماتی که در سابق شده بود
حضور بعضی از نمایندگان معتمد بعضی نواقصی که
بود در آنها اقدام شد و باید عرض بکنم که
مجاهدات و مراقبات نمایندگان معتمد که در این
کار داخل شده اند خیلی مفید افتاد و روز پنجشنبه
و چهارشنبه يك مقداری هم روز سه شنبه و امروز
هم از صبح تا ظهر مشغول این کار بودند و بالاخره
چون جزئیات را نمایندگان معتمد مسبوق هستند
عرض نمیکند ولی بطور کلی می تواند عرض بکنیم
که از باب نان اگر چه اندر نه که اسباب نگرانی
از برای مردم تصور میگردند شاید اندر نه اسباب
نگرانی نبود لکن لازم بود که بیشتر اهتمام در

این خصوص بشود که این نگرانی ها که تصور
میکردند بکلی رفع شده باینکه اطمینان کلی
برای مردم حاصل بشود این است که عرض میکنم
در این باب اقدامات در این چند روز که عرض
کردم شده يك ماهه روز از عید گذشته آذوقه
شهر حاضر تهیه شده است و اقدامات و احکامیکه لازم
بود صادر بشود پس آمد در طرف این مدت هم تصور
نشود که حالا که فراغتی حاصل شده است برای نا
سرخرمن و بعد از خرمن آن جنسی که باید تهیه
شود گذاشته شود این طور نیست در همین چند روزه
و این مدت هم آن جنسی که باید تهیه شود گذاشته
شود این طور نیست در همین چند روزه و این مدت
هم آن جنسی که باید تهیه شود تا سر خرمن که مجلس
موجود است اگر چه بیشتر هم فلام داد شده است لکن
آن مقداریکه محل احتیاج است درخواستن تهیه
کردن آنها اقدامات لازم در مدت همین هفت هشت
ده روز خواهد شد ولی عیالاً تا يك ماه و چهار روز
از عید گذشته آنچه لازم است برای آذوقه با کمال
اطمینان می توانم عرض بکنم که تدارک شده است
و اگر چه بر پر روزم در این جامه کار شده ولی لازم
شده که مکرراً این جا عرض کنم که اگر چه مسئله
نان خیلی مسئله مهمی است و این چند روزه اوقات
این چند وزیر بیکه باقی مانده است و اوقات بعضی
از نمایندگان معتمد مصروف این کار شده است تا
اینکه يك نتیجه از آن گرفته شده است ولی این يك
مسئله مهمی نبود و در مسائل مهمه باینک ژنرال
مملکت اگر بغض و عداوت نگاه بکنند بکنی از آنها
مسئله کابینه وزرای شماست که از وزای شما نفر
بیشتر بانی نیستند و امر نان يك مسئله است که مستقبلاً
راجع است بوزارت داخله و وزارت مالیه که در این
مدت این چند وزیر در آبیاب اقدامات کرده اند و
عیالاً باین همه مسائل مشککه که در مملکت و در
حواشی مملکت هست و هر روز خبر می رسد و همه
مطلع هستند تأخیر و امراد وقت در این کار خطرات
بسیار دارد و آقای نایب السلطنه هم در اول ورود
که با هیئت و کلاهی معتمد مذاکره کردند و بعد از
مقداری مذاکره وعده فرمودید که تا روز سه شنبه این
مسئله را ختم و انجام بکنند و مسلم است که در يك
مملکت مشروطه يك نایب السلطنه وقتی که کاری را
میخواهد بکنند باینکه اکثریت مجلس است و اکثریت
مجلس هم تا وقتیکه ثابت نباشد يك نایب السلطنه مثل
آقای ناصر الملك که صاحب بصیرت و صاحب آن
همه اطلاعات کلمه در باب مشروطیت و ترتیبات لازم
و قواعد و قوانین آن هستند نمی آیند بکنند بکنند
ممنین بکنند که از فرادای آن مشغول کشاکش آن
هیئت و آنکلیت بشوند و هیچ کاری نشده باشد پس
ناچار باینست يك هیئتی معین بشوند که تا یک مدتی
يك اکثریت ثابتی آنها را نگاهداری بکنند و این
خلق هم از وجود آنها يك فایده ببرند و این مسئله
هم متعلق است بیک اکثریت ثابت در مجلس و اکثریت
این مجلس هم که امروز قوه حاکمه و حاکم این
مملکت است و در تمام ممالک قانونی مشروطه هم
باید بهین طور باشد يك چیزی است که عیالاً متصل

رئیس - اینجا يك سوالی آقای ادیب
التجار فرمودند در باب امران و آقای وزیر امور
خارجه در آن خصوص جوابی را که بایستی بدهند
بیان فرمودند که تا مدتی آذوقه شهر فراهم شده
است و برای مدتی هم برای آن تهیه شده است
که در این باب نگرانی نداشته باشیم و اقدامات
لازمه در آن خصوص آمده و بمیاید و چون در ضمن
جواب آقای ادیب التجار داخل يك موضوع دیگری
شدند این است که بنده آن موضوع را اساساً تمام
نشده نمی دانم ولی در این موضوع از طرف آقای
نایب السلطنه امروز هم دستخطی رسیده است آن
دستخط را برای اطلاع نمایندگان می خوانند و بعد
داخل مذاکره خواهیم شد تا اینکه نظریات
نمایندگان معتمد در آن خصوص معلوم شده تکلیف
جواب معین شود دستخط مزبور بمبارت ذیل
فراغت شد .
یادداشت مجلس شورای ملی - مورخه ۱۸
صفر ۱۳۲۹

در جواب مراسله نامه ۲۳۸۱ مذكور که
سه فقره یاد داشت مورخه ۱۴ ماه اینجانب
فقط برای استحضار نمایندگان و خالی از
انتظار جواب بوده به همین جهت نیز بطور
یادداشت فرستاده شده و حالا چون جواب رسمی داده
شده لازم بتوضیح میدانم که در باب احوال کنونی
مملکت غرض از تاکید در تسریع اقدامات تحصیل
نتیجه مذاکرات روز ۱۲ صفر بعضی مسائل اساسی
بود که با حضور تمام نمایندگان محترم شفاهاً بعمل
آمد و بالفرض هم که راجع بوظایف وزراء چیزی
در آن مسائل باقی مانده بود خود وزراء حضور
داشتند و بیکر با ایشان مذاکرات شده و البته هر
پیشنهادی لازم باشد تکلیف ایشان است که بمجلس
تقدیم کنند - اما در باب فتور هیئت وزراء مقصود
فقط استحضار خاطر محترم بود از اینکه مادامی که
نتیجه مذاکرات روز ۱۲ و تکالیف کابینه معین نشده
هیئت حاضره وزراء در مشغولیت مراقبت وظایف خود
حتماً باید باقی باشند و تفصیل در امر دولت خاصه در
حالت حالی به چه وجه جایز نیست و تا کمالاً اظهار می
دارم که منتظر نتیجه مذاکرات روز ۱۲ صفر هستم
(ابوالقاسم)

وزیر امور خارجه - اینجا يك نکته را
که در فرموده والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه
سرموق شده است می خواهم بکنم مذكور آقایان
نمایندگان محترم بشوم میفرمایند تا وقتی که نتیجه
از مذاکرات روز دوازدهم ماه صفر حاصل نشود این
وزراء خواهند بود این جمله یعنی چه یعنی خودشان
و اما دست بکاری نخواهند زد و کاری نخواهند کرد
تا نتیجه از آن مذاکرات حاصل بشود که اکثریت ثابت
مجلس به ایشان معرفی بشوند و آنطوری که محل
اطمینان ایشان باشد این اکثریت حضور ایشان
اظهارات خودشان را نمایند و آن وقت اول شروع
بکار است که آقای نایب السلطنه دست بکار خواهند زد
و هیئتی را معین خواهند کرد زیرا اگر چه خودشان
مسئولیتی ندارند و مقام ایشان يك مقام مقدسی است
که عاری از مسئولیت است ولی باید که هیئت مسئولی باید
کار بکنند و آن هیئت مقام مسئولیت را دارا هستند و
میدانند که از آن هیئت مسئول الان چیزی باقی نمانده
است آقای رئیس الوزراء که استعفاء داده اند و یکی از
وزراء که آن طوریکه مسبقاً هستند بدینجهتانه از
میان رفت و یکی دوتای دیگر هم که استعفاء کردند
و چهار نفر باقی هستند که اینها هم باینست بکارهای
پر زحمت خودشان برسند و هم بکارهای سایرین برای
اینکه نگویند مملکت وزیر ندارد و باحالت متزلزل
و عدم اطمینان باید کار يك مملکتی باین چهار نفر
سرب بشود و موافقاً از پیش برود تا اینکه يك ترتیبی
بشود که اسباب اطمینان بشود و ایشان هم تا آن
کارشان انجام نشود اقدامی نخواهند کرد و مقصود از
این است که این وزراء تا آنوقت باقی خواهند بود
یعنی من اقدام نخواهم کرد حالا شما زودتر در این
خصوص اقدام بکنید که در اول ورود يك همچون این
السلطنه يك تماش داده باشید و يك خدمت بزرگی
بملت خودتان بکنید حالا بیکر بسته بنظر خودتان است
آقای میرزا ابراهیم خان - اینجا اگر چه
بنده خیلی متأسف هستم ولی ناچار عرض بکنم
که بی لطفی آقای مستوفی الممالک اینطور برای ما

تولید اشکالات کرده برای اینکه بدون مناسبت
در صورتیکه هنوز رئیس الوزرائی معین نشده است
و هنوز مقام ایشان از طرف نیابت سلطنت عظمی
بدیگری داده نشده و نامزدی برای آن مقام معین
نشده است برخلاف قوانین تمام عالم کتاره جوئی
و بی لطفی میفرمایند و از کار بیکه کار خودشان و کار
مملکت خودشان و کار عموم ملت است گزاره میفرمایند
بله - این هم یکی از بدبختیهای ماست که باید دچار
آن باشیم و حال اینکه همانطوریکه خود آقایان
وزراء معتمد حس فرموده اند و جدا کار میکنند
و حضرت اقدس والا آقای نایب السلطنه هم کتباً
و شفاهاً فرموده اند تا زمانیکه يك وزیر دیگری برای
يك وزارت خانه معین نشده است هیچ وزیری قانوناً
حق ندارد آن مقام را خالی بگذارد بلکه باید وزیر
سابق در اداره خودش مشغول کار باشد تا اینکه وزیر
نازه بکابینه وارد بشود و وزیر سابق آن کارها را
تسليم او بکند و اقدامات سابق خودش را بآن وزیر
نازه نامزده شده بنمایاند و از کار کتاره بکنند در
این موقع از آقایان وزرائی که بوظیفه خودشان
قیام نموده و تا بحال به مملکت خودشان خدمت
می کنند و مشغول کار هستند و از طرف عموم
ملت نمایندگان محترم تشکر نمود عرض میکنم البته
وظیفه شما همین است که تا زمانیکه اظهار توجه از
طرف مجلس در حق وزراء میشود مشغول کار بشوید
و بدینک خودتان خدمت بکنید تا بیک کابینه دیگری
تشکیل بشود و اما آنچه راجع با اکثریت مجلس صحبت
میشود گمان این است که همان اظهاراتی که در روز
دوازدهم فرمود حضور حضرت اقدس آقای نایب السلطنه
از طرف این هیئت برض رسیده است کافی باشد برای
اینکه در آن وقت بکنند نمایندگان محترم درخواست
و در موقع خودش اقلیت حزب خودش را عرض کرد
یکی دیگر هم برخواست و اکثریت حزب خودش را
معاوم کرد و اینست معاوم شد که يك حزب در اقلیت
هستند و بیکر در اکثریت دیگر بنده نمایندگان انتظار
آن مقام منبع در اقدامات خودشان و تعیین کابینه چه
میباشد اگر تصور میفرمایند حزب اکثریت پروگرام
هیئت وزرای آتی را بنویسند و تعیین بکنند و بگویند
ما میخواهیم کابینه که تشکیل میشود اینطور رفتار
بکند گمان نمیکند که اینکار بوظیفه نمایندگان باشد
و تصور میکنم وظیفه آن هیئت محترم بی است که
نامزد شده و بمجلس شورای ملی معرفی میشوند و
پروگرام خودشان را بمجلس تقدیم میکنند و گمان
نمیکند وقتیکه آن کابینه پروگرام خودشان را بمجلس
نیاورد آن پروگرام در نظر حزب اکثر محمل تأمل و
مذاکره بشود و لازم باین باشد که بهینست حرمی که
امروز میخواهد این اکثریت را معفوظ بدارند آن
پروگرام را می پذیرد یا نمی پذیرد و اگر میفرمایند که
این هیئت بنشینند يك موافقی و يك پروگرامی از برای
خودشان بنویسند ممکن است که اینکار را بکنند ولی
گمان نمیکند که اینکار قانونی باشد این حزب اکثریت
میخواهد امروز که این تجدید جدید واقع شده است
آن طوریکه آن دو نماینده محترم بیان فرمودند این
کابینه که معین میشود اصلاحات خودش را باقی بگذارد
امروز مسائل و مقتضیات موجود دارد باینست که مخالف
با مقتضیات شرح نباشد از پیش برود و انتظار دارند
که حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هر چه زودتر

رئیس الوزراء را معین نمایند و آن رئیس الوزرا
کابینه خودشان را باین پروگرامی که تناسب مقتضیات
وقت و اسباب موجود باشد از برای اصلاحات امروزی
بمجلس پیشنهاد نمایند و امیدوارم که هر چه آن مقصود
حاصل بشود .
رئیس - در باب پروگرام اینکه مذاکره شد
که وزراء پروگرام خودشان را معین بکنند البته هر چه
که معین میشوند مأمور این کار خواهند بود و پروگرام
خودشان را بمجلس خواهند آورد ولی گویا نظر آقای
وزیر امور خارجه این بود که پروگرام حزب اکثری که
میگویند اکثریت با ما است معلوم شود و بهینست که
پروگرام آنها چه چیز است .
آقای میرزا ابراهیم خان - عرض می کنم که
حزب اکثریکه امروز تشکیل شده بکفره سیاسی
نیست بلکه يك اشخاصی هستند که حس کرده اند
که این مجلس امروز يك اکثریتی را لازم دارد برای
اصلاحات اساسی و آنچه اصلاحات اساسی که امروز
به مجلس پیشنهاد بشود همراهی خواهند کرد .
وزیر امور خارجه - اولاً اینکه آقای -
آقای میرزا ابراهیم خان اظهار یأس کردند از استعفا
آقای مستوفی الممالک همه می دانند که آقای
مستوفی الممالک چه روز باینست قبل از این مبتلا
بیک مرض مزمنی شده بودند تا چند روز پیشتر که حالت
ایشان قدری بهتر بود آثار ضعف و بی حالی از حال
ایشان پیدا بود و باین گرفتاریها و کار که عیالاً
برای همه کس هست يك مزاج قوی و يك حالت سالمی
شخص لازم دارد تا آنکه بتواند این کار را با درامده
بگیرد و این بار که این وزیر را ساند آقای مستوفی -
الملك خودشان هم مکرراً اظهار کردند و شاید
به آقایان نمایندگان هم گفته باشند که برای خدمت
همه وقت حاضر تا دقیقه آخریکه می توانم کار بکنم
چنانچه در همین کابینه خودشان این اتفاقاتی که
می افتاد و ماها بعضی از اوقات دل تنگی می کردیم و
بعضی ها از ما اظهار استعفا میکردند آقای مستوفی -
الملك حرفشان این بود که من تا وقتیکه آقای نایب -
السلطنه بطهران وارد بشود ولو يك نته هم باشم
ناچارم کار بکنم و تحمل بار مسئولیت را بکنم تا
اینکه آقای نایب السلطنه وارد این مملکت بشود
و زودتر رفیق نگرانی را بشانند آن وقت موافق فایده
و قانون تکلیف خود را معین خواهم کرد و الان هم
که استعفا کرده اند علت عمدتاً آن برای همان اصلاح
مزاج بود و از هم اظهار کردند که اگر مزاجم بهبودی
پیدا کرد حاضرم برای همه قسم خدمات به ملت و
مملکت چه وزارت و چه غیر آن و يك مقداری هم استعفا
ایشان قهری بود اما آنچه خودم تصور میکنم این -
است که استعفا آقای مستوفی الممالک در این موقع
يك نترکتی بود که استعمال کردند مانع از آنست که
می دانیم برده ریشی بکنیم و آن چیزهایی را که
استحضار ذریه از بواطن امور خبر نداریم تمام را
فراموش بکنیم ما بیک حالت غریبی پیدا کرده ایم
که خدا انشاء الله همه را سلامت بدارد و آن این است
که همه ما بیک تجدید و همین قدر که يك امدوماء سه ماه
يك وزیری دوام پیدا کرد و اولین که بود زحمت را
بیسمارک باشد خسته می شوند و يك کس دیگری دا
می خواهید که از برای شما کار بکنند و در این اواخر هم

بعضی اظهارات داخلی و خارجی که اگر کسی سؤال از بنده بگذرد نمی دانم چه جواب بگویم شده بود که آقای مستوفی الممالک اظهار استعفا کردند ولی باز هم عرض می کنم که آنچه بنده خود تصور می کنم این است که آقای مستوفی الممالک از این استعفا خیلی ملاحظه نراند و به عقیده بنده شاید یعنی یقیناً یکی از مقاصدشان این بود که برای آقای نایب السلطنه در این موقع که وارد شده اند و در سدد اصلاحات و ترتیب کارها هستند یک دست بازی و یک خیال آزادی بگذرانند تا اینکه با آن خیال آزاد خودشان و با اکثریت ثابت مجلس یک اقدام اساسی کرده باشند و مردم که منتظرند از وجود نایب السلطنه خودشان فایده کلی ببرند و به عقیده مستوفی الممالک باز یک مانعی برای ایشان حاصل نشود به عقیده بنده از این اظهار استعفا آقای مستوفی الممالک باید اظهار امتنان کرد تا اظهار تاسف بجهت این نراکتی که بعمل آورده اند اما در مسئله اکثریتی که آقای آقا میرزا ابراهیم خان می فرمایند اگر به عقیده بنده باشد بنده خودم شخصاً و عقیده که دارم نمیدانم احزاب مختلفه یعنی چه باید همه متحد و برادر باشند و همه یک سلیقه و پشتیبان باشند و برای آن هیئت وزراء و قوه مجریه که می خواهند برایشان کار بکنند اما حالا با طبیعت آن ترتیبی که در همه جا پیدا شده در اینجا هم پیدا شده است و یک حزبی در مجلس هست این را نمی شود انکار کرد ولی یکی می گویند که در اقلیت یکی می گویند مادر اکثریت در صورتیکه هست واقفاً بایستی فهمید که این اقلیت چه می خواهد و آن اکثریت چه می گویند و کجا هستند برای اینکه نایب السلطنه مملکت وقتی که رئیس الوزراء را تعیین کرد آن رئیس الوزراء ناچار باید با شور و میل اکثریت مجلس بنده را بوزارت انتخاب بکند و کابینه خودش را تشکیل بدهد و باید بداند که آنها از چه حزب باید باشند و الا اگر نماند که همین طور معموله المعرفه بخواهند داخل کار شوند و یک عده را معین میکنند باز همان ایرادات و معان حملات است که میشد پس برای دفع این ایرادات در این که آقای نایب السلطنه می تواند یک رئیس الوزراء را معین میکند و آن رئیس الوزراء هم یک عده را انتخاب و به مجلس معرفی نماید بایستی اکثریت ثابت مجلس که در ممالک متروکه حاکم مملکت است تا آن رئیس الوزراء و کابینه راه باشد و الا اگر بگویند خود نایب السلطنه هر کسی را می خواهند رئیس الوزراء معین می کنند و آن رئیس الوزراء هر کس را دلش می خواهد معین می کند این همان است که واقع شده و هیچ نتیجه نخواهد داشت و از فواید همان روز اعضای همان اکثریت و اقلیت آنها می نماند پس باید به همان طوری که آقای نایب السلطنه فرمودند و با جواب داده نشود دست بکار نخواهند زد یک اکثریتی در مجلس معین بشود و یک عقیده ثابتی که یا آن عقیده بتواند هیئت دولت را تشکیل بدهد و اگر چنین اکثریت ثابتی هست که باید خودش را به آقای نایب السلطنه معرفی بکند حالا باین طوری که آقای آقا میرزا ابراهیم خان

می فرمایند که این فرقه اکثری که تشکیل شده است فرقه سیاسی نیست بسیار خوب باینطور معرفی می کنید و آقای نایب السلطنه را به متنازع می کنید یا اینکه بایشان مذاکره بکنید و به بییند بطور قانونی و مشروطیت چطور ایشان متوقع هستند که آن اقدام را به انجام برسانند برای اینکه عرض کردم که تعیین کابینه و تشکیل آن با وزراء نیست با ایشان است و ایشان هم با معلومات و یک انتظاراتی دارند که باید آن معلومات و آن انتظارات را انجام داد آهم برای صرفه و صلاح مملکت است همان طور که آن روز فرمودند برای خودشان نمی خواهند و مثل اینکه آن روز خودشان صریحاً فرمودند که اگر اختیارات تازه بخواهید بمن بدهید من قبول نمیکنم ایشان برای خودشان چیزی نمی خواهند و اگر چیزی بخواهند برای این مملکت و برای این مشروطیت و برای این اساس می خواهند حالا این را هم باید بایشان مذاکره کرد ایشان باین اکثریت و این ترتیب قناعت نمی کنند که قبلاً انصاف و اگر طور دیگری را می خواهند آراهم میفرمایند که زودتر اقدام بشود و پیش از این اسباب تعویق نشود.

افتخار الواعظین - مذاکرات و فرمایشات

آقای وزیر امور خارجه یک شکلی است که چون خیلی مهمه و مجمل عقیده می شود بنده لازم دیدم که بعضی تفاسیری را که معلوم عرض بکنم و الا اینکه آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند که این اکثریتی که امروز تشکیل یافته یک حزب سیاسی نیست مرادشان این نیست که هیچ حزب سیاسی داخل این اکثریت نیست بلکه مرادشان این است که یک حزب سیاسی که دارای اکثریت باشد این اکثریت را تشکیل ندهد و شاید دو حزب باشد حزب مختلف که اساساً پروگرام مسلکیشان مختلف است و لکن پروگرام عملیشان متجدد است چون حس کرده بودند که امور مملکت ایران بدون یک پروگرامی و یک اکثریتی از پیش نخواهد رفت و همان کشمکشهایی که بوده است باز خواهد بود و آن اکثریت هم به قسمی باید ثابت باشد که هر وقت از طرف حزب قلیک تقبیلی می شود در وزراء و محتاج می شوند برای گرفتن آن اکثریت ثابت می تواند توسط اوراق سفید خودش کابینه و وزراء را نگاهداری بکند چون این اشخاص این مطلب را حس کرده بودند ائتلاف کرده اند و این اکثریت را تشکیل داده اند و پروگرام عمل برای خودشان نوشته اند یعنی چیزهایی را که مانا آخر این دوره تقبیلی از هیئت وزرائی که طرف اعتماد ما باشند می توانیم بخواهیم و آنها هم می توانند اجرا کنند پس این اکثریت ثابتی که تشکیل شده است دارای مسلک سیاسی هست لکن مرکب است از دو حزب و سه حزب مختلف - اما در مقام جواب آقای وزیر امور خارجه عرض می کنم که همین شکلی که فرمودند فرمایشات دوازدهم آقای نایب السلطنه تکلیف نمایندگان اکثریت را معلوم کرد و آنها هم بعد از آن مجلس امضاء اکثریت خودشان را حاضر کردند و صحبت کردند بعد از

مذاکرات آن اکثریت فهمید که کدام رئیس الوزراء طرف اعتماد ایشان است و بتوسط دوفتر از نمایندگان اعضا خودش به مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی هم تبلیغ شد و با این ترتیب بنده همچو گمان می کردم که امروز اگر نشد روز سه شنبه که بنده و سایرین به مجلس که می آیم به بییند یک رئیس الوزراء و هیئت کابینه برای معرفی به مجلس آمده است بلکه خیلی احتمال میدادم که همین امروز میشود و الا اینکه نشد است بنده همچو گمان می کنم که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بآن معرفی ساده که از طرف اکثریت بتوسط ریاست محترم مجلس بحضور مبارکشان تبلیغ شده است شاید قانع نشده باشند و سایر نظر مبارکشان بر این بوده است که اکثریت برای آن اشخاصی که میفرستند یک اعتبار نامه بنویسند و امضاء بکنند تا معین بشود که حزب اکثری که میگویند در مجلس تشکیل شده است اینها هستند و امضایشان هم این است و الا باینطور نیست که این اکثریت مذاکره و مباحثه را که لازم است نکرده باشند و رئیس الوزراء را که محل تمایلشان بوده است بتوسط بعضی از اعضا خودشان به مقام ریاست مجلس شورای ملی عرض نکرده باشند و بنده هیچ گمان نمیکنم که ریاست مجلس هم به مقام نیابت سلطنت عظمی تبلیغ نکرده باشند و همانطور که عرض کردم بنده چنین تصور می کنم که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه شاید نظر مبارکشان بر این بوده است که این اکثریتی که میفرستند و آن امضاء خواهند کرد و اسم آن رئیس الوزراءی که محل اعتماد و تمایلشان است خواهند نوشت و تمام تکالیف قانونی خودش عمل خواهد کرد

وزیر پرست و تلگراف - بنده گمان می کنم که این مذاکرات بیشتر با الفاظ می گذارد و اگر یک اهتمامی بفرمایند که بمملکت بپردازیم و تراست اینکه آقای افتخار الواعظین می فرمایند که شاید آقای نایب السلطنه از این اکثریتی که تشکیل شده است اعتبارنامه و امضاء می خواهند من گمان نمیکنم که مقصود والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه این باشد که ایشان می فرمایند بجهت مبارک و محتاج می شوند برای گرفتن آن اکثریت ثابت می تواند بتوسط اوراق سفید خودش کابینه و وزراء را نگاهداری بکند چون این اشخاص این مطلب را حس کرده بودند ائتلاف کرده اند و این اکثریت را تشکیل داده اند و پروگرام عمل برای خودشان نوشته اند یعنی چیزهایی را که مانا آخر این دوره تقبیلی از هیئت وزرائی که طرف اعتماد ما باشند می توانیم بخواهیم و آنها هم می توانند اجرا کنند پس این اکثریت ثابتی که تشکیل شده است دارای مسلک سیاسی هست لکن مرکب است از دو حزب و سه حزب مختلف - اما در مقام جواب آقای وزیر امور خارجه عرض می کنم که همین شکلی که فرمودند فرمایشات دوازدهم آقای نایب السلطنه تکلیف نمایندگان اکثریت را معلوم کرد و آنها هم بعد از آن مجلس امضاء اکثریت خودشان را حاضر کردند و صحبت کردند بعد از مذاکرات آن اکثریت فهمید که کدام رئیس الوزراء طرف اعتماد ایشان است و بتوسط دوفتر از نمایندگان اعضا خودش به مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی هم تبلیغ شد و با این ترتیب بنده همچو گمان می کردم که امروز اگر نشد روز سه شنبه که بنده و سایرین به مجلس که می آیم به بییند یک رئیس الوزراء و هیئت کابینه برای معرفی به مجلس آمده است بلکه خیلی احتمال میدادم که همین امروز میشود و الا اینکه نشد است بنده همچو گمان می کنم که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بآن معرفی ساده که از طرف اکثریت بتوسط ریاست محترم مجلس بحضور مبارکشان تبلیغ شده است شاید قانع نشده باشند و سایر نظر مبارکشان بر این بوده است که اکثریت برای آن اشخاصی که میفرستند یک اعتبار نامه بنویسند و امضاء بکنند تا معین بشود که حزب اکثری که میگویند در مجلس تشکیل شده است اینها هستند و امضایشان هم این است و الا باینطور نیست که این اکثریتی که میفرستند و آن امضاء خواهند کرد و اسم آن رئیس الوزراءی که محل اعتماد و تمایلشان است خواهند نوشت و تمام تکالیف قانونی خودش عمل خواهد کرد

کاشف

در اینجا موضوع دو چیز است یک مذاکره راجع اکثریت مجلس است یک مذاکره هم در باب اظهار مصلحت است و بنده گمان می کنم که این مطلب را گفته ام که اگر ما بخواهیم این دو موضوع را داخل هم بکنیم و مذاکره کنیم باین زودیها نتیجه مطلوبه

ممکن است در ضمن وزارت آن هیئتی که شما بآنها تمایل دارید و معین می کنید بعضی چیز ها پیش بیاید و آن چیزهایی در آن مطالبی که شما نوشته اید نباشد آرتق مابین خودشان اختلاف پیدا خواهد شد مثلا در یک مسئله راجع ببولتیک وزارت امور خارجه شاید یک مطالبی پیش می آید که شما با کمک های خودتان یا هم مسلک های خودتان همراه نشوید آن وقت است که اکثریت متزلزل خواهد شد این است که آقای نایب السلطنه اگر انتظار دارند انتظار صحیحی دارند و می خواهند ترتیب کارها بر روی یک اساسی صحیحی گذاشته بشود یعنی آن حزبی که می گویند من در اقلیتم و دارای ۲۱ رأی هستم پروگرام خودش را آنچه مقصد و آرزو و آمال خودش است باید نوشته باشد و تقدیم والا حضرت نماید و آن حزبی که می گویند من اکثریت را دارم هستم و ۵۰ رأی دارم آهم عقاید سیاسی خودش باید بنویسند و تقدیم حضور ایشان بکنند تا همه می دانم می گویند احزاب مختلف با هم می مختلف در مجلس هست بنده بواسطه اینکه بعد از عهد شهادت درست اطلاع ندارم ولی آقدری را که از سابق اطلاع دارم می دانم که دو حزب در مجلس وجود دارد حالا احزاب دیگر هم شاید باشند که بنده نمی دانم هر چه هست این ها تمام باین پروگرام خودشان را بنویسند و تقدیم بکنند تا اینکه آقای نایب السلطنه بدانند پروگرام هر یک از این احزاب چیست و اگر فرضاً در این مدت هشت ماه فلان حزب که ادعای فلان مسلک را میکند اگر از مسلک خودشان خارج بشوند و یک چیزی را خارج از پروگرام و مسلک خودشان تقاضا بکنند و در آقای نایب السلطنه میفرمایند که این تقاضا برخلاف مسلک و پروگرام مسلکی شماست پس ایشان از این ناملی که می فرمایند مقصودشان این است که اساس کار را بر روی یک بنیان صحیحی بگذارند آنها باین اکتفا نمیکنند که یک محدودی را معین بکنند و بگویند ما اکثریت ثابت هستیم و اینها هم کردهای ما است و آنچه بنده امروزه ارفر مایشات ایشان استنباط کرده ام همین بود که عرض کردم حالا اگر می توانید عجله بکنید و هر کدام پروگرام خودتان را بنویسید و بحضور آقای نایب السلطنه تقدیم بکنید تا اینکه زودتر رئیس الوزراء معین شده کابینه و وزراء را تشکیل و به مجلس معرفی نمایند و الا این مسامحه و طول کشیدن به عقیده بنده با حالت حالیه مملکت سازش ندارد و مقضی نیست و همانطوریکه آقای وزیر امور خارجه به معین ترتیبی که می فرمایند اکثریتی تشکیل شده است و ثابت است ممکن است بتوسط نمایندگان خودشان حضور مبارک ایشان عرض بکنید و پروگرام خودشان را بنویسید و هر طور که بداند عجله کنید در اینکه کابینه و وزراء شما زودتر تشکیل شود.

بدست نخواهد آمد خصوصاً در یک حالی که مملکت خیلی محتاج است که یک قوه مجریه در کار باشد و اگر ما خواسته باشیم بگوئیم که تا مسلک ها معین نشود پروگرام سیاسی شان نوشته نشود رئیس الوزراء و هیئت وزراء معین نشود بنده گمان می کنم که باین زودی ها نشود که در این خصوص نتیجه بگیریم در صورتیکه چنانچه آقایان وزراء حس کرده اند وضع امروز مملکت طوری است که یک ساعت هم نمی شود تعیین رئیس الوزراء و کابینه را به عقب انداخت و بنده گمان می کنم که این مطلب منفی با مقصود نباشد در سابق گفته شد که جمعی در این مجلس از احزاب مختلفه که یک اندازه عقیده و سلیقه شان نزدیک بهم بوده اند اینک در تحت یک مسلک و یک پروگرام باشند بجهت صرفه و صلاح مملکت چنین صلاح دانستند که بجهت اجرا و انجام وظیفه خودشان و بجهت رفع مسئولیتی که دارند یک پروگرام عملی که دارای چند ماده باشد نوشته شود و همه آنها را امضاء بکنند که بر حسب ضرورتی که امروز دیده میشود مطابق آن پروگرام کابینه که معین میشود رفتار بکنند و این هیئت مختلف که حالا متعدد می شوند و تشکیل اکثریتی را می دهند آن کابینه را نگاه بدارند و همین کار را هم کردند ولی ایماً این پروگرام به یکی از این مسلک های که اسم برده شد نبود بلکه همانطور که عرض کردم یک هیئت مختلفی با هم متحد شده اند و بنده عقیده ام این است که اگر در این خصوص مداومت حاصل بشود در مجلس بلکه اتفاق هم ممکنست حاصل شود برای اینکه کلیتاً مسلک یک چیزی است که آمال و آرزوی یک دسته در آن مندرج است و می توانند اودام العمر آن آرزو و آمال را داشته باشند لکن باین جهت این هشت ماده خواستیم یک نتیجه از این امضات و زحمات خودمان برده باشیم بجهت اینکه چنانچه تجربه بمانشان می دهد مادر این مدت نتوانستیم موفق شویم با آنچه می خواهیم که مقصود آرزو و آمالمان بود و تا یک اندازه هم برای مردم آنطوریکه منتظر بودند اسباب آسایش و راحت فراهم بشود از این جهت خیلی لازم بود که این کار بشود و حالا خیلی از اشخاص هستند که انتساب به یک مسلکی دارند و می شود آنها را مجبور کرد که شما منتسب به یک مسلک دیگری شوید و عرض کردم که سابقاً در این خصوص خیلی مذاکرات و بالاخره نتیجه نگرفته ایم و یک طرف متقاعد نشده است حالا اگر مقصود از مذاکرات روز که از دهم سفر این بوده است که یک اکثریتی که ثابت باشد تشکیل بشود این اکثریت تشکیل شد امضاء هم کرده اند و اظهار عقیده خودشان را هم نموده اند و اینکه بعضی ها فرمودند که یک نفر رئیس الوزراء را آقایان اسم ببرند بنده گمان می کنم که این از وظایف نمایندگان نباشد و گمان می کنم که همان نمایندگان کافی است حالا باز هم اگر چنانچه والا حضرت اقدس میفرمایند که تا پروگرام های احزاب در اینجا ارائه نشود و معلوم نشود که پروگرام مسلکی اینها چیست رئیس الوزراء را معین کرد شاید آن نتیجه باین زودی ها بدست نیاید در صورتیکه فعلاً قوه مجریه نداریم و این چند نفریکه از آقایان وزراء

باقی مانده اند با کمال مشغله و کار زیادی که در ادارات خودشان دارند مجبور هستند که رسیدگی با امور سایر وزارت خانه ها داشته باشند خیلی لازم است که یک رئیس الوزراء معین بشود و کابینه را دایر نماید آن وقت ممکن است که بعد در این کار اقدام کرده و یک اکثریت مسلکی ثابتی هم اگر لازم باشد در کار آرزو ولی این هیچ مانعی نیست از اینکه امروز ما یک قوه مجریه نداشته باشیم و حال مملکت اینطور باشد که فعلاً هست که هر ساعتی از نداشتن کابینه ممکن است ضررهای کلی متوجه بشود

وزیر امور خارجه - آقایان نمایندگان

محترم شاید همه آقای نایب السلطنه را خوب بشناسند که ایشان با آن همه اطلاعات عمیق که دارند و در کارها یک ثبات عزم غریبی دارند شاید بلکه یقیناً عزمشان جزم است که واقفاً برای این مملکت حالا که آمده اند بتوانند کاری بکنند و آنچه در خدمت ایشان در این چند روزه مذاکره میشد گمان نمیکنم که ایشان با یک معلومات ناقصه و با یک اسباب و خیالاتی که باصلاح دلغوش کتک باشد داخل کار بشوند اینطور تصور بکنند و مسلماً بدانند که شخص ایشان تا یک اطمینانی کامل تحصیل نکنند که بتوان با آن اطمینان کامل اقدام صحیحی کرد تصور نکنید که ایشان داخل کار بشوند تا وقتی که این اطمینان برای ایشان حاصل نشده است این عده که از وزراء باقی هستند در سر کار هستند تا اینکه ببینند از اقدامات ایشان چه نتیجه گرفته میشود و باز هم صریحاً عرض می کنم که باار و قتیکه زیاد فشار بر ما وارد بیاید جز اینکه استعفا می کنیم و باز این مسئولیت را بگردن خودمان وارد میاوریم هیچ چاره دیگری نخواهیم داشت حالا همانطوریکه مکرر عرض کرده ام بار هم عرض می کنم که زودتر هر کاری را که لازم میدانید اقدام بکنید و تدارک کار خودتان را به بینید و همین طوریکه مذاکره شد از این اکثریتی که میفرمایند معین شده است یک دو سه نفری را بطور کمیسیون معین می کنیم که بروند با آقای نایب السلطنه مذاکره بکنند که ایشان از این اکثریت ثابتی که میفرمایند چه می خواهند و آن ترتیبی را که انتظار دارند چیست احزاب را میخوانند بشناختند پروگرام آنها را میخوانند به بییند مقاصد آنها را میخوانند بدانند کلیه به بییند که ایشان چه در نظر دارند چه میخوانند و مطابق آنچه در نظر ایشان است اکثریتی را که می خواهند معین بکنید که فردا که یک هیئتی را این جا معرفی کردند راست است که آنها مسئولیت دارند ولی باید بکنند اکثری را در مجلس پشتیبان داشته باشند که اگر بکوفتی از طرف حزب اقل حمله بآنها کردند آن اکثریت از آنها دفاع میکند بجهت اینکه دفاع کننده از قوه مجریه قوه حاکمه و اکثریت مجلس است که در موقع حمله حزب اقل از آنها مدافعه بکنند پس اساساً و مسلماً بدانند که تا مسلک خودشان داخل نشود و معلوم نباشد عزم را سخنی داخل کار شوند داخل مجلس رئیس الوزراء را معین کرد شاید آن نتیجه باین زودی ها بدست نیاید در صورتیکه فعلاً قوه مجریه نداریم و این چند نفریکه از آقایان وزراء

شا اگر چنانچه کارنان را ساخته اید و اکثریتی را که ایشان خواسته اند تشکیل کرد اید بطوری که تا روز پنجشنبه وعده فرموده بودید که قیام المصود بپیریدمرفی بکنید یا اینکه اگر معرفی کامل نکرده اید تشکیل بکنید تا اینکه ایشان حاضر کار بشوند و اگر چنانچه آن اکثریتی را که ایشان خواسته اند حاصل نیست و معتدل میتوانید ایشان را مقاعد بکنید که از هم باهمین هیئت حاضر بروید و با ایشان مذاکره بکنید بلکه واقعا يك نتیجه گرفته شود و يك تکلیفی برای کارهای این مملکت معین بشود.

مستبر السلطان - بنده تصور میکنم که

مقصود از اکثریت شاید این را گمان میکنند که کلیه احزاب و فرقی که در مجلس شورای ملی است باید آنها مراعات خودشان تمام و کلا و مردم و همچنین خدمت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقدیم بکنند چنانچه حزب دمکرات که من یکی از آن افراد هستم و جزء اقلیت مراعات خود را که بنام جمعی های نمایندگان اسد ساخته است تقدیم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هم کرده اند ولی مقصود ایشان از این کلام تحویل اکثریت ثابت صحیح بود در مجلس و آن هم هر یکی از دو قسم خواهد شد یکی اینست که یکی از احزاب و فرقی سیاسی که عده اش در مجلس اکثریت دارد یعنی نصف بحدود یک است و حاکم و مسئول مملکت اوست پروگرام خودش را مینویسد ناطق خودش را معین میکند و نظریاتی را که در باب آرزو و مقاصد مملکت او را تهیه تعقیب بکند توسط ریاست مجلس شورای ملی میرساند به شخص اول مملکت و میگوید فلان کسی که دارای مملکت من است و قبول مملکت مرا کرده است فرقه من با تو تمایل دارد آن وقت پادشاه یا نایب السلطنه مملکت آن شخص را معرفی میکند به مجلس شورای ملی و از روی نظریاتی که آن اکثریت دارد مشغول عملیات میشوند و امور مملکت را مطابق آن نظریات مرتب میکنند یک قسم دیگر هم هست که وقتیکه اکثریتی در مجلس میآیند فرق دست چپ که چند فرقه هستند عده خودشان را هر کدام معین میکنند و فرق دست راست هم هر کدام عده شان را معین میکنند آن وقت چند فرقه آنها با هم دیگر ائتلاف میکنند پروگرام مسلکشان هم که معین است آن وقت میآیند ناطق خودشان را معین میکنند و باز پیشنهاد میکنند نظریات خودشان را توسط رئیس مجلس بمقام نایب السلطنه و مردم عده آنها را ناطق ایشان را میباشناسند یعنی در مجلس رسماً میگویند که آن حزب اکثریتی که میگویند این عده فلان شخص و فلان شخص و فلان شخص باشند هستیم و احساس خودشان را علناً معین میکنند و عقاید خودشان را هم همان مبنایند و بعد مسلکی خودشان هر کدام جلوس میکنند و مراعات خودشان را هم نوشته و بر رئیس یا شخص اول مملکت تقدیم میکنند و مشغول میشوند بکار و عملیات خودشان نتیجه این اکثریت چه چیز است نتیجه اش این است که آن هیئت وزرائی که بمجلس معرفی میشوند مشغول میشوند باجرائی خیالات و اعمال آن فرقه که این اکثریت را تشکیل داده و مراعاتنامه خود را تقدیم نموده است و آنرا مراعاتنامه توسط آن رئیس الوزرا مجری میشود برای اینکه معین است که هیچ نماینده مقاصد خود را مشخص نمیتواند اجرا بکند بلکه باید توسط حزب خودش یا مساعدت آنهائی که با او هم مسلک هستند و دارای اکثریتند

آقا مقاصد مسلکی خودش را مجری نماید و آن وراره هم همیشه بواسطه نظریات و ترتیباتی که مسبوق هستند بهمان ترتیب پیشنهاد میکنند آنواد هم میکنند و مسلم آن اکثریت وظیفه خودش را نسبت به اقلیت هم میداند که اگر ایراداتی یا تفتیشی یا بعضی سئوالانی دارد باید در کرسی خطابه آن ایرادات و اظهاراتی را که دارد بیان بکند و بواسطه درج در جرائد یا این افراد ملت منتشر نماید و مسلماً شخص والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بطوریکه در بعضی جراید دیده ام نوشته اند و ایشان را نایب مملکت مریض ما دانسته اند همانطوریکه قانونا از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده اند و در واقع پادشاه مملکت هستند میگویند باید تمام وظایف قانونی را که در کتب قانونی است اجرا بکنیم چونکه مملکت ما مشروطه است و در مملکت مشروطه باید مطابق شروط طبع قوانین کار کرد نمیشود گفت مملکت ما مشروطه است لکن در مجلس احزاب مختلفه سیاسی نظرات خودشان را بپیشتر اند کنار بله تمام ما در حفظ استقلال مملکت شریکیم اما باید به چشم که طریق در ترتیب آن چیست و چه طور باید اقدام بکنیم مثلا وزارت مالیه را امر مالیات را که می خواهیم اصلاح بکنیم باید چه قسم اصلاح بکنیم البته نظریات احزاب سیاسی در این گونه مسائل فرق دارد و اینکه مذاکرات زیاد می شود در مجلس و وقت تلف می شود تمام بواسطه همین نظرات سیاسی است و والا حضرت نایب السلطنه چون این مسئله را التفت فرموده اند می فرمایند مطابق همان حق قانونی که بواسطه انتخاب مجلس پیدا کرده ام هیچ نمیتوانم مخالف قانون قدیم بردارم باید موافق قانون اقدام بکنم و کارها را اصلاح نمایم من می گویم که در مجلس شورای ملی تمام فرق علنی باشند تمام بجای خودشان بنشینند و مراعاتنامه های خودشان را بفرستند من بخواهم تا اینکه اکثریت مجلس بر من معلوم شود من رئیس الوزرا را بفرستم به مجلس و او کابینه خودش را تشکیل معرفی بکند و این بهترین کاری است که باید بشود و آن روزی که این کار واقع بشود بقیه بنده روزی است که من در منزل خودم بخواهم میگویم که بواسطه این افکار عالی و والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه مملکت آباد باشد مملکت ما از خیلی چیزها رسته و آزاد شد.

سلیمان میرزا - بنده قبل از اینکه آقایان

وزرا این مطلب را مطرح بفرمایند از آقای رئیس اجازه خواسته بودم که در پایان مجلس چند کلمه در موضوع اکثریت عرض بکنم از حسن اتفاق خود آقایان وزرا آن را مطرح فرمودند ما ناچاریم از اینکه اکثریت ثابتی در مجلس و در مملکت خودمان داشته باشیم برای اینکه مملکت که مشروطه شد و سلطان آن معین شد باید تمام امور آن مطابق قوانین اداره بشود و ممکن نیست که یکی از آنها تغییر بکند بجهت اینکه اگر ما یکی از چرخهای ساعت را برداریم و بگوئیم که امروز ما میل نداریم که این ساعت فلان چرخ را داشته باشد محققاً باید بدانیم که دیگر آن ساعت برای ما کار نخواهد کرد و اگر این قسم بخواهم بیش بروم منتع است که یکی از خیالات و مقاصد خودمان را پیش ببریم برای اینکه عقلاء دنیا بما می گویند این چیزی را که

نیست اکثریت باید مطابق فرق سیاسی و احزاب سیاسی باشد و علتی باشد برای اینکه اکثریت مشغول نیکو دید مملکت مشغول ترقی و تنزل مملکت مشغول سعادت و شقاوت مملکت میباشد یعنی از دور که تماشاچی ها از بالا دپاین تماشا میکنند باید بدانند که این اکثریت ثابتی را که می گویند کجا هستند و بدانند این جماعت ۶۰ نفر ۷۰ نفر این عده هستند که قدرت مملکت و حکومت مملکت را در دست گرفته اند و امورات آنرا اداره می کنند بجهت اقلیت و اکثریت (چنانچه آقای وزیر فرمودند) در مجلس هست و آن نماینده را که آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند که در حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه که اول شخص عالم مملکت هستند برخاست و اقرار با اقلیت حزب خودش کرد بنده بودم که در حضور والا حضرت کویا بعضی از این عرایض را عرض کردم و از طرف شعبه پارلمانی حزب دمکرات که در کابینه حاضر یکتیش بیطرف بود و امتحان خودش را داد و در تمام سئوالات و استیضاحات که شد يك کلمه حرف نزد از چنین حزب یعنی که ۲۱ رأی دارد میگویم در اقلیت واقعیم و مشغولیت نداریم و از طرف دیگر آقای حاج آقا اظهار فرمودند که ما ۴۸ رأی داریم و ما مشغول مملکت هستیم یعنی از حالا بعد می توانیم مشغول بشویم - بنده عرض می کنم که آیا این مطلب که از آنجا گذشت باینکه يك روزی اسم همه را بنشینند بنویسند و همه آنها پای آن ورقه را مهر و امضاء بکنند و بتوسط ریاست مجلس بحضور والا حضرت بفرستند این اکثریت می شود ؟

افتخار الواعظین - در موقع رأی معلوم

خواهد شد .
سلیمان میرزا - می فرمایند در موقع رأی خواهند فهمید و حال اینکه يك سال است رأی داده ایم بیارید آن آراء را ملاحظه بکنید و این معمای تاریخی را حل بکنید که اکثریت را کدام یکی از احزاب داشته است و این خرابی هائی که شده است بگردن کیست میفرمایند این اکثریتی که تشکیل شده است سیاسی نیست یا اینکه پروگرام آنها پروگرام مصلحتی نیست بلکه پروگرام عملی است یعنی همه نظریات خودشان را جمع کرده اند و يك پروگرام عملی نوشته اند بنده حقیقتاً این چیزها را که می شنوم مات و متعیر می شوم همان اشخاصی که حالا يك جبهه عده این اکثریت را تشکیل میدهند روی همین کرسی خطابه اعتدالیات خودشان را اظهار کردند آنها هستند که با کمال جرأت و جلالت بوظیفه خودشان عمل کردند و بنده آنها را تقدیس می کنم و تبریک می گویم ولی این اکثریت چطور پروگرام نمادند یعنی بنده باید بر دم منزل

و شش پروگرام از شش فرقه مختلف بیارم و ثابت بکنم که فرق مختلفه در مجلس هست چطور میتوانند بگویند که در مجلس حزب اعتدال نیست و حال آنکه از اول میگویند که در مجلس يك طایفه لقب اعتدال را برای خودشان قبول کرده اند و يك طایفه لقب انقلاب را برای خودشان گذاشته اند و آنها انکار کردند که ما انقلابیون نیستیم پروگرام خودشان را طبع و منتشر کردند و آنها حزب دموکرات بودند ۲۱ رأی داشته و دادند و حالا هم بنده از طرف حزب خودم (یعنی حزب دموکرات) امروز افتتاح اینکار را میکنم و میگویم ۲۱ رأی در مجلس هست که این مراعاتنامه پروگرام اوست و تقدیم به ریاست می کند و میگوید من این نظرات سیاسی و آرزوی اینکارها را دارم و در اقلیت هم هست و مشغول مملکت هم نیست و میخواهم این اکثریت را طاعتی که میفرمایند تشکیل شده است با اندازه يك اقلیت قدرت پیدا بکنند و بیاید روی همین کرسی خطابه و مطابق قانون پروگرام خودش را روی ميز ریاست بگذارد و همین طور که بنده امروز از جانب اقلیت فریاد میزنم که مشغول مملکت نیستند کابینه را نمیتوان نگاهدارم و تفاضلی را در این دوره تقنینیه نمیتوان بعمل اجرا بیارم آنها هم در کمال قدرت در کمال عظمت در کمال همه چیز بیاید امروز رادال تاریخ وائل روز تاریخی ایران حساب میکنند و امروز را ثابت بکنند که اول روز دوره مشروطیت ایران است و حزب های مختلف که این اکثریت ثابت را معین کرده اند و این ما را تشکیل داده اند که عبارت از ۴ رأی است بیاید اینجا و در کمال آزادی معین بفرمایند هر کس هم چنانچه بنده بدانم میباشناسم (منتهی و کلا را میباشناسم) معین بفرمایند و در کمال آزادی بیاید اینجا و بگویند ماسی نگر دارای این پروگرام و از حزب اجتماعیه و اعتدالیون میباشد ماشش نفر از حزب ترقی خواهان هستیم و این مراعاتنامه است ما چهار نفر دارای این پروگرام و از حزب اتفاق و ترقی میباشد چون بنده این احزاب را کمالاً نمی شناسم مثل اینکه يك پروگرام دیگری در خارج بود دیدم که نوشته بود مراعاتنامه اصلاحیه و عامیون و اگر هستند آنها هم بیاید بگویند میگویند يك جبهه هم هستند که بی طرفند ولی بنده معنی بیطرفی را هیچ نمی فهمم میخواهم کسیکه مشغول مملکت است و باید برای مملکت خودش کار بکند و لغت بیطرفی را استعمال میکنند یعنی من نه با این طرفم نه با آن طرف نه این را قبول دارم نه آن را پس لابد خودش يك چیزی را قبول دارد مثلا اینکه میگویند انتخابات باید مستقیم باشد و يك نظر سیاسی دارد یا غیر مستقیم اول باید یکی از این دو را قبول دارد با اینکه با شفق نانی را خواهند گفت که من آن طریق را قبول دارم پس این حزب هم يك حزب تازه خواهد بود که باید او هم خودش را معرفی بکند و مراعاتنامه خودش را منتشر نماید والا گمان میکنم کسانی که مشغول امور مملکت هستند و میخواهند هیئت دولت را تشکیل بدهند کمابینه بخواهند سعادت و شقاوت مملکت را بدست بگیرند چطور میشود که بیطرف باشند و چطور حفظ حقوق موکبتش را خواهند کرد

انتخابات را مستقیم خواهد دانست یا غیر مستقیم پس بیطرف یعنی حزب ثالث یعنی حزب دابع یعنی حزب خامس پس بنده عرض میکنم اول کسیکه در مملکت ما در تمام ممالک معروف است به علم و اطلاع و امروزه از آن هالتر و فاضل تر ایرانی نداریم و تمام مردم با او متوجهند وجود مقدس آقای ناصر الملک نایب السلطنه این مملکت است و يك همچو شخص عالمی يك همچو شخص خیر خواهی او امروز در مملکت ما دوی برایشانی های مارا که از برای ما صلاح میداند این را دانسته اند که اکثریت ثابت در مجلس تشکیل بشود و بعد ما با دادداشت مرقوم فرموده اند و وقتیکه ایشان این مطلب را میفرمایند یا اینکه محققاً تمام چیزها و تمام ترقیات مشروطیت اطلاع دارند اگر ما بخواهیم آنچه را که میخواهند انجام ندهیم آنوقت باعث این خواهد شد که هم رنجش خاطر ایشان فراهم بیاید و هم اسباب این بشود که کار مملکت امروز که اینقدر مشکل شده است مشکل تر بشود و آن وقت علاج پذیر نخواهد بود پس خوب است هر کاری می خواهیم بکنیم زودتر اقدام بکنیم و نظریات سیاسی خودمان را معین بنماییم و برای اطمینان خاطر ایشان عرض می کنم تا اینکه ایشان بدانند که این هیئت وزرائی که معین میکنند گرا از حزب اعتدالیون معین میکنند فلان عده اوراق سفید و رأیهای ثابت آنها آنها را نگاهدار می کنند و هیئت وزرا و وقتیکه وارد این فضا میشوند بدانند این اشخاص رأی اعتماد به آنها داده اند برای اینکه چنانکه عرض کردم حکومت را در درجهائی از ممالک مشروطیت با اکثریت داده اند و اکثریت در درجهائی حکومت مملکت را در دست میگیرد و علتی است و در اینجا هم اگر اکثریت ثابتی تشکیل باشد علتی باشد از برای اینکه کسی مشغول مملکت باشد و از او سوء استفاده بکنند در مقابل آن اقلیت حاضر باشد و این ترتیب هم در تمام جاهاست که مجلس آنها دارای احزاب مختلف است و باید همیشه هم باشد برای اینکه بقیه بنده اگر مجلس از يك حزب باشد و دارای فرق مختلف نباشد آن مجلس هیچ فایده ندارد بجهت اینکه مثل يك نفر سلطان مستقیم می شود هر چه دلشان خواست یعنی میل سر دست هاشان شده عمل میکنند پس مجلس باید دارای احزاب مختلف باشد و هر یکی از احزاب که اکثریت پیدا کرد او شروع میکند با اداره کردن کارهای مملکت و درجهائی که هیچ رفت اقلیتی در مقابل اوست می آید بالای کرسی خطابه و میگوید آقایان اکثریت ثابت آقایانی که حکومت مملکت را در دست گرفته اید اینجا کسج رفته اید در دست مطابق قانون رفتار کنید که من از آقای رئیس اجازه بخواهم و مقاصد اقلیت و خلافت های اکثریت را در اینجا عرض می کنم و میگویم اینکاری که کرده اید برخلاف این چیزی است که گفته اید ولی این اکثریت ثابت چنانکه عرض کردم باز هم تکرار می کنم که باید هلسی باشد و چون از طرفه